



## پیام نوروزی سازمان فدائیان (اقلیت)

به

### کارگران ، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی ایران

## گفتگوی نشریه کار با

## رفیق پروین نیک آئین عضو کمیته اجرائی سازمان

## در مورد جنبش زنان

صفحه ۷

## یاد جان باختگان فدائی همواره زنده و جاوید خواهد ماند

بشریت علیه نظم طبقاتی به وقوع پیوسته و گسترده ترین جنبش های طبقاتی کارگران در مقیاسی جهانی برای برانداختن نظام طبقاتی سرمایه داری و ایجاد جامعه ای که در آن استثمار، ستم ، نابرابری اجتماعی ، سیاسی ، جنسی و نژادی ریشه کن شده باشد، شکل گرفته اند. در همین دوران است که پاسداران نظم طبقاتی نیز بیرحمانه ترین و وحشیانه ترین جنگها را علیه جنبش های کارگری و کمونیستی براه انداخته و با سرکوب های دد منشانه، میلیونها مدافع سوسیالیسم رادرسراسرجهان کشتار کرده اند. تاریخچه سازمان ما نیز به عنوان یک سازمان کمونیست گواهی روشن بر این حقیقت است.

صفحه ۵

سراسرتاریخ بشریت سرشار است از مبارزه، ایستادگی ، از خود گذشتگی و قهرمانی انسان هائی که به خاطر سعادت ، پیشرفت، بهروزی و رهائی بشریت ستم دیده علیه مظالم نظم مستقر پیاخاسته و جان باخته اند.

از هنگامی که جامعه بشریت به طبقات دارا و ندار، ثروتمند و فقیر، ستمگر و ستم دیده تقسیم گردید، همواره مبارزه برای برانداختن ستم و استثمار، نابرابری اجتماعی و سیاسی و ایجاد یک جامعه انسانی در جریان بوده است. این مبارزه تنها هنگامی ابعادی همه جانبه و جهانی به خود گرفت که نظام سرمایه داری به نظام مسلط جهانی تبدیل گردید. در این دوران است که عظیم ترین نبردهای رها بیخش تمام تاریخ

## انتخابات مجلس ششم،

## نتایج و چشم انداز

جمهوری اسلامی در جریان انتخابات مجلس ارتجاع اسلامی با یک شکست سیاسی و اخلاقی دیگر روبرو شد. این انتخابات عریان تر از هر زمان دیگر فرمایشی و قلابی بودن انتخابات را در حکومت اسلامی نشان داد. تظاهرات و اعتراضات مردم به تقلب های انتخاباتی، تظاهرات ضد دولتی مردم شهرهای شوش و شادگان که به قتل هشت نوجوان و تعدادی زخمی انجامید ، تجمعات و راه پیمائی ها در برخی دیگر از شهرهای خوزستان، درگیری های جناح ها و تظاهرات در بروجن ، شهرستان سلسله ، ارومیه و تعدادی از مناطق دیگر، درگیری های مسلحانه در کازرون، همگی یک شکست و رسوائی برای تمام جناحهای هیئت حاکمه و کل رژیم محسوب می شوند. اکنون دیگر این رسوائی سیاسی به آنجا کشیده که جناحهای هیئت حاکمه نیز یکدیگر را متهم به تقلب و رای سازی در انتخابات میکنند. ماجرای رفسنجانی و کشمکش جناحها برسر ورود یا حذف او تا این لحظه که ۱۵ روز از انتخابات گذشته است ادامه دارد و ظاهرا برای چندمین بار تعدادی از صندوقها بازشماری شده اند.

گروهی از طرفداران خاتمی می گویند، هاشمی رفسنجانی حد نصاب لازم را برای انتخابات به دست نیاورده و آرا قلابی به حساب وی گذاشته شده است. گروهی دیگر از طرفداران همین جناح می گویند وزارت کشور به نفع طرفداران خاتمی آرا قلابی به صندوق ها ریخته است. وقتی که جناحهای هیئت حاکمه در تهران و شهرستانها یکدیگر را متهم به تقلب در انتخابات می کنند ، و قلابی بودن انتخابات را در همه جا جار میزنند، دیگر نیازی نیست که مخالفین رژیم ، ماهیت رسوائی این انتخابات را برملا کنند. جناح های رژیم هم اکنون آشکارا آنرا اعلام کرده اند. از همین واقعیت میتوان در مورد تعداد شرکت کنندگان در این انتخابات قضاوت کرد.

از مدتها پیش از انتخابات، همه جناحهای هیئت حاکمه و طرفداران داخلی و بین المللی آنها ، با بمباران تبلیغاتی مردم ، از سرنوشت ساز بودن انتخابات سخن گفتند و مردم را به پای صندوقهای رای فراخواندند. طرفداران خاتمی ادعا می کردند که از حدود ۳۹ میلیون ( ۲۸ میلیون و ۷۲۶ هزار و ۲۸۶ ) واجدین شرایط

صفحه ۲

## مبارک باد

## ۸ مارس روز جهانی زن

صفحه ۴

### در این شماره

#### اعتراض کارگران به مصوبه ضد

کارگری مجلس شورای اسلامی صفحه ۱۶

#### برخورد دولت شوراها به مسئله زن

صفحه ۱۳

#### ۲۰ هزار کودک خیابانی در تهران

صفحه ۱۰

#### گزیده ای از نامه های رسیده

صفحه ۳

#### اخباری از ایران

صفحه ۹

#### اخبار کارگری جهان

صفحه ۱۱

#### اطلاعیه ها

صفحه ۲ و ۱۵

## چرا دستمزدها طبق خواست

## کارگران اضافه نمی شود؟

رژیم جمهوری اسلامی، امسال نیز همچون سال گذشته تا آنجا که توانست ، موضوع افزایش دستمزدهای کارگری را تمدا به سکوت برگزار نمود. جناح های حکومتی، سرو صدای تبلیغاتی و کشمکش آنها برسر قدرت و کسب کرسی های مجلس ، به دولت کمک کرد تا موضوعی را که برای کارگران به یک امر حیاتی تبدیل شده است ، به فراموشی بسپارد و از کنار آن بگذرد. هم اکنون نیز با وجود آنکه کمتر از سه هفته به پایان سال مانده است ، هیچ نشانی از افزایش دستمزدها آنطور که کارگران خواهان آنند و بیا به میزانی که کارگران لاقل بتوانند با آن معیشت خود و خانواده ها \_

صفحه ۶

## انتخابات مجلس ششم، نتایج و چشم انداز

### اطلاعیه مشترک

#### اعتصابات و اعتراضات کارگری گسترش می‌یابد!

کارگران و زحمتکشان ایران!

به دنبال اعتصابات و اعتراضات وسیع کارگری در هفته‌های گذشته، از روز یکشنبه سوم بهمن ماه، کارگران بافناز اصفهان، سوله سازی لرستان، ریسندگی کاشان، پالایشگاه اراک، کارگران سینتادراهواز، کارگران اخراجی و بازخرد شده شهرداری تهران و کارگران قراردادی پتروشیمی بندرشاهپور نیز با اقدام به اعتصاب و راه پیمایی و تجمع در برابر کارخانه‌ها و ادارات دولتی، خواستار افزایش دستمزدها، پرداخت حقوق و مزایای معوقه و بهبود شرایط کار و زندگی خود شده‌اند. چند روز پیش نیز کارگران کشت و صنعت لرستان، کارگران خزرخز تنکابن مجدداً دست به اعتصاب و اعتراض زده‌اند.

اکنون مدنیت‌هاست که کارگران کارخانجات و موسسات تولیدی در سراسر کشور از طریق تظاهرات، اعتصابات و اشکال دیگر مبارزه، خواهان پرداخت حقوق و مزایای معوقه، تضمین شغلی، توقف اخراج‌های دسته جمعی و بهبود شرایط کار و زندگی خود هستند.

در شرایطی که اوضاع زندگی کارگران روز به روز وخیم‌تر می‌شود و فشارهای اقتصادی، تضییقات سیاسی و مشکلات اجتماعی حیات و ممت میلیون‌ها کارگر و زحمتکش را با تهدید جدی مواجه ساخته است، مافیای مالی، سرمایه داران، دلالان و تاجران و سایر انگل‌های اجتماعی و نرچشمی‌های رژیم، با حرص و ولع وصف ناپذیری ثروت‌های ملی و ثمره دسترنج کارگران را به یغما برده و بین خود تقسیم می‌کنند. در عین حال پرداخت حقوق و مزایای کارگران را ماهها به تعویق می‌اندازند، کارگران را دسته دسته اخراج و اجباراً باز خرید میکنند و از تحزب و تشکل آنها نیز جلوگیری بعمل می‌آورند.

در حالی که کارگران از اوضاع و احوال بار کنونی و تشدید فشار و استثمار سرمایه داران به تنگ آمده‌اند و برای تحقق مطالبات برحق خود دست به اعتراض و مبارزه میزنند، جمهوری اسلامی و رسانه‌های وابسته به آن تلاش میکنند تا با عمده کردن نزاع جناحی حکومتی و بزرگ نمایی «انتخابات مجلس» مبارزات و مطالبات کارگری را تحت الشعاع قرار دهند و با استفاده از ابزار فریب و سرکوب، صدای جنبش کارگری را در گلو خفه کنند.

در برابر این تلاشها و در مقابل داساس و سرکوبگریهای قدرتمندان اقتصادی و سیاسی حاکم، تنها قدرت متشکل و متحد کارگران است که میتواند سرمایه داران و مرتجعین را عقب براند و ضامن پیروزی کارگران باشد.

ما کارگران سراسر کشور را به اتحاد و تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی فرامیخوانیم. در مقابل قدرت متحد شما کارگران هیچ قدرتی را یارای مقابله نیست.

ما ضمن حمایت از همه مطالبات کارگری منجمله خواست افزایش دستمزدها، پرداخت حقوقهای معوقه، توقف اخراجها و بهبود شرایط کار، کارگران پیشرو و همه فعالین جنبش کارگری را به تلاش برای متحد ساختن اعتصابات و اعتراضات کارگری و برپایی تشکلهای مستقل کارگری فرا میخوانیم.

ما همه احزاب، تشکلهای و نیروهای مبارز و انقلابی را به تلاش مجدانه در جهت پخش اخبار مبارزات جنبش کارگری و کسب حمایت احزاب و تشکلهای کارگری سراسر جهان از مبارزات کارگران ایران فرامیخوانیم.

#### پیروز با مبارزات کارگران

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

اتحاد فدائیان کمونیست - حزب کمونیست ایران

سازمان فدائیان (اقلیت) - هسته اقلیت

۲۴/بهمن/۷۸ - ۱۳/فوریه/۲۰۰۰

به هیچ جناحی امکان پیشبرد سیاست خود را نخواهد داد. آنچه وجود خواهد داشت، منازعه و بحران و تشدید تضادهای درونی دسته جات درون هیئت حاکمه خواهد بود. این است چشم انداز مجلس ششم ارتجاع اسلامی.

پنجم درصد بسیار کمتری شرکت کننده وجود داشته است. ارقام اعلام شده رسمی دولتی می گوید که در انتخابات مجلس پنجم حدود ۲۵ میلیون نفر یعنی (۷۸/۵ درصد) کسانی که حق رای داشته‌اند، در انتخابات شرکت کرده‌اند و اکنون ۶۸/۸ درصد شرکت کرده‌اند که کاهش ۱۰ درصدی را نشان می‌دهد. هرچند که ما می دانیم آمار و ارقام اعلام شده در مورد مجلس پنجم و ششم هردو قلابی هستند و نه واقعی، اما همین ارقام رسمی نیز شکست دیگری برای رژیم محسوب می‌شوند.

از این آمار و ارقام چه نتیجه ای میتوان گرفت. نه آمار ۷۸/۵ درصدی شرکت مردم در انتخابات مجلس پنجم و نه ۶۸/۸ درصدی مجلس ششم، هیچ یک نمی‌توانند این واقعیت را پوشیده بدارند که اکثریت عظیم مردم ایران هیچ توهمی به رژیم جمهوری اسلامی و نهادهای آن ندارند و خواهان سرنگونی آن هستند. اگر در فاصله مجلس پنجم تا ششم برغم ادعای رژیم مبنی بر شرکت ۷۸/۵ درصد مردم در انتخابات مجلس، ما شاهد اعتصابات، تظاهرات، راه پیمایی‌ها، تحصن‌ها، شورش‌ها و قیام‌های متعددی برای برافکندن حکومت هستیم، اعلام ۶۸/۸ درصدی شرکت مردم در انتخابات مجلس ششم هم چیزی را تغییر نخواهد داد، و مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم ادامه خواهد یافت. رسالتی که مجلس ششم ارتجاع اسلامی دارد این است که با تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه و تعمیق بحران سیاسی، زمینه مناسب تری برای سرنگونی رژیم توسط توده مردم ایران فراهم کند. در مجلس پنجم وجود اکثریت قوی یکی از جناح‌های رژیم، مانع از بحرانی شدن این نهاد رژیم و بلا تصمیمی آن بود، اما اکنون همانگونه که پیش بینی میشد، این جناح با شکست سنگینی روبرو شده و به یک گروه اقلیت در مجلس آتی رژیم تبدیل شده است.

معهداً نکته مهم اینجاست که جناحها و گروههای دیگر هم هیچیک نتوانسته‌اند اکثریت را به دست آورند. جبهه مشارکت به همراه مجمع روحانیون و مجاهدین انقلاب اسلامی تا کنون حدوداً ۳۰ درصد کرسیها را به خود اختصاص داده‌اند. این گروه که در مجلس آینده یک فراکسیون را تشکیل خواهد داد وابسته به خاتمی است. حزب کارگزاران سازندگی که از سیاستهای رفسنجانی دفاع می‌کند، ۲۲ درصد کرسیها را به خود اختصاص داده است و جناح طرفدار خامنه‌ای ۲۴ درصد. حزب همبستگی ایران اسلامی و حزب اسلامی کار که بین کارگزاران و جبهه مشارکت نوسان می‌کنند، حدوداً ۱۵ درصد و بقیه نیز افراد به اصطلاح مستقل‌اند که از نظر فکری به یکی از گروههای اصلی وابسته‌اند. چنین به نظر می‌رسد که در مجلس ششم سه فراکسیون اصلی وجود خواهند داشت که هر سه در اقلیت قرار دارند.

این توازن منجر به درگیری‌ها و بحران‌های شدید در مجلس ارتجاع خواهد شد. از هم اکنون که هنوز سرنوشت رفسنجانی به طور قطع روشن نشده است، منازعه بر سر ریاست وی بر مجلس بالا گرفته است. توازن موجود

حق رای، دست کم ۲۵ میلیون در انتخابات شرکت می‌کنند. فردای روز رای گیری، سران رژیم پیامهای تبریک رد و بدل کردند تا چنین وانمود کنند که این انتخابات با استقبال وسیعی روبرو شده است. وزیرکشور در اولین اظهار نظر خود از رقم ۲۵ میلیون اندکی پائین آمد و ادعا کرد که ۳۲ میلیون نفر از مردم ایران در انتخابات شرکت کرده‌اند. اما گویا آرا قلابی صندوق‌ها نیز به پایه این رقم نرسید، تا این که سرانجام به رقم کمتری رضایت دادند و اعلام کردند که ۲۶ میلیون و ۶۷۰ هزار نفر رای داده‌اند. اگر آرا قلابی ریخته شده به صندوق‌ها و رقم سازی‌های وزارت کشور را در نظر نگیریم و اگر این واقعیت را هم مد نظر قرار ندهیم که مطابق اظهار نظر رسمی ثبت احوال حداقل ۲ میلیون شناسنامه باطل نشده وجود دارد که در دست عوامل رژیم‌اند و یا در این مقطع خرید و فروش می‌شوند، باز هم رقمی در حدود ۱۳ میلیون نفر از مردم ایران یعنی برطبق همان آمار رسمی، یک سوم در انتخابات شرکت نکردند. اما شاخص مهم تر نفرت مردم از رژیم و انتخابات فرمایشی آن، عدم شرکت حدود نیمی از مردم تهران در این رای گیری بود. وزارت کشور اعلام نمود که در تهران کمترین تعداد یعنی رقمی در حدود ۵۷ درصد در انتخابات شرکت کردند. این عدم شرکت مردم تهران در انتخابات مجلس ارتجاع، شاخص بسیار مهمی است. این را می‌دانیم که در تهران تنها مناطق مرفه نشین یک پارچه در انتخابات شرکت کردند و به نفع کاندیداهای گروه‌های دوم خردادی رای دادند. عوامل و کارگزاران دستگاه عریض و طویل دولت نیز به نفع این یا آن جناح شرکت کردند و تنها درصد بسیار کمی از توده مردم به علت ناآگاهی یا توهم پای صندوق رای گیری حاضر شدند. باقیمانده که حدود نیمی از جمعیت تهران را تشکیل می‌دهند، عمدتاً کارگران و زحمتکشان بودند که انتخابات را تحریم کردند. این نشان می‌دهد که توده زحمتکش مردم تهران، نه تنها بلکه نفعی در گزینش بد و بدتر هم نمی‌بینند. این درحالی است که هنوز در مناطق عقب مانده و در میان گروههایی از مردم وضع به گونه‌ای دیگر است. یعنی تعداد اندکی از مردم بویژه جوانانی که فاقد تجربه سیاسی‌اند، به خاتمی و جناح اومتوم هستند و بخشی از مردم میان بد و بدتر، بد را انتخاب میکنند. البته بحث مادر اینجا مربوط به توده مردم است و نه آنهایی که آگاهانه به پای صندوق رای رفتند. بورژوازی ایران، خرده بورژوازی مرفه و ارتشی از عوامل کارگزاران رژیم که جیره خورهای حکومت اسلامی هستند، اینها آگاهانه و به خاطر منافع طبقاتی شان و دشمنی شان با انقلاب و توده کارگر و زحمتکش به پای صندوق‌های رای رفتند.

در هر حال اگر به آمار رسمی استناد کنیم ۶۸/۸ درصد در انتخابات شرکت کردند و اگر قرار است به همین آمارهای رسمی استناد کنیم در انتخابات مجلس ششم در مقایسه با مجلس

## پیام نوروزی سازمان فدائیان (اقلیت)

به

### کارگران ، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی ایران

#### کارگران ، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

سال ۷۸ با همه فراز و فرودهایش دارد به پایان خود نزدیک می‌شود. سیر رویدادها در یک سال اخیر نیز به نحو غیر قابل انکاری بار دیگر این حقیقت را ثابت میکند که رژیم جمهوری اسلامی و جناح‌های آن، بنا به ماهیت ارتجاعی‌شان، نه فقط نمی‌خواهند و نمی‌توانند گامی برای بهبود وضعیت اقتصادی و سیاسی به نفع اقشار زحمتکش و فرودست جامعه بردارند، بلکه در برابر مطالبات فوری و آزادیخواهانه توده‌های کارگر و زحمتکش می‌ایستند و با زور و سرکوب به آن پاسخ می‌دهند در یک سال گذشته، اوضاع اقتصادی و معیشتی کارگران و زحمتکشان به مراتب بدتر شد. برای صحت این موضوع، نیازی به آمار و ارقام و وارد شدن به جزئیات نیست. حقیقتاً کدام کارگر و زحمتکشی هست که از تورم فزاینده و گرانی کمرشکن بی‌خبر باشد؟ آیا جز این است که قدرت خرید کارگران و زحمتکشان بیش از پیش سقوط کرده و سطح معیشت آنها بازم تنزل نموده است؟ آیا جز این است که روند توقف و تعطیل واحدهای تولیدی و روند اخراج‌ها و بیکارسازیهای وسیع ادامه یافته است و صداهای نگرانی دیگر بیکار شده و یا در معرض بیکاری و بلائیکلیفی قرار گرفته‌اند؟ مگر همین اواخر با تصویب طرح خروج کارگاههای کوچک از شمول قانون کار، زمینه اخراج و بیکاری صدها هزار کارگر دیگر را فراهم نساخته‌اند؟ مگر اجحافات عدیده‌ای که از ناحیه قراردادهای موقت و سازمان تامین اجتماعی علیه کارگران و زحمتکشان اعمال شده است روشن نیست؟ آیا جز این است که در صدها کارخانه و موسسه تولیدی حقوق و مزایای کارگران را نپرداخته‌اند؟ آیا جز این است که وعده‌های بهبود اوضاع اقتصادی رژیم و دولت خاتمی تماماً پوچ از آب در آمده است و اوضاع اقتصادی و معیشتی توده‌های مردم نسبت به سالهای گذشته وخیم تر شده است؟

باید در نظر داشت که وخیم تر شدن اوضاع به مسائل اقتصادی و معیشتی محدود نمی‌شود. اوضاع سیاسی نیز برغم وعده‌هایی که خاتمی داده بود و بر خلاف تبلیغات و بلندگوهای بورژوازی، چندان بهتر از اوضاع اقتصادی نبود. حفقان و زندان و سرکوب، همچنان یگانه پاسخ کارگران معترض و سایر آزادیخواهان و مخالفان سیاسی رژیم بوده است. روند حمله به مطبوعات و نویسندگان ادامه داشت و توقیف مطبوعات حتی تا روزنامه سلام هم تعمیم یافت. علاوه بر این، فاجعه کوی دتانشگاه تهران و اقدامات خشونت بارو سرکوبگرانه بعدی علیه اعتراض کنندگان، دستگیری و حبس و شکنجه صدها تن از دانشجویان و جوانان، بار دیگر از آزادیهای سیاسی در چارچوب «شرع» و اسلام آقای خاتمی پرده برداشت و به عین نشان داد که جناح‌های حکومتی سرورته یک کرباسند و هرچا پای منافع حکومت اسلامی در میان باشد، برای حفظ این منافع و برای حفظ «امنیت» رژیم و نظم موجود، دست در دست هم، به هر جنایتی دست می‌زنند. از سوی دیگر، فراموشی خاتمی نسبت به پیگیری فاجعه کوی دانشگاه که ادامه فراموشکاری او نسبت به پیگیری پرونده قتل‌های سیاسی بود، پرونده وعده‌های دروغین و توخالی وی را قطورتر ساخت و خاتمی مفتضح شده را مفتضح تر کرد و در یک کلام ماهیت فریبکارانه این مهره خوش خط وخال را که سودانی جز نجات جمهوری اسلامی از مهلکه درسر ندارد، روشن تر ساخت.

#### کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

سالی که گذشت از همان اولین روزهایش با موجی از تبلیغات پیرامون «انتخابات» مجلس توأم بود. این انتخابات ضد دمکراتیک که طرفداران خاتمی آن را سرنوشت ساز می‌خواندند و در جریان برگزاری آن وعده‌های میان تهی خود را تکرار می‌کردند به پایان رسید. شماری از کرسی‌های مجلس نصیب یک دسته از مرتجعین شد و شمار دیگری نصیب مرتجعین دیگر. باز تقسیم کرسی‌های مجلس ارتجاع، به نفع مرتجعین جناح خاتمی پایان گرفت، اما مجلس جدید نیز برغم تبلیغاتی که دسته اخیر و حامیان بین‌المللی‌شان براه انداخته اند اساساً چیزی را به نفع توده‌های مردم زحمتکش عوض نخواهد کرد. چرا که تمام جناح‌های حکومتی، یک مشت مرتجع‌اند و همه آنها خواهان بقاء و دوام حکومت اسلامی و حفظ نظم موجودند. تجربه بیش از دو دهه حکومت اسلامی نیز غیر از این نبوده و این حقیقت را مسلماً می‌سازد که نه جمهوری اسلامی و نه مجلس آن چیزی به کارگران و زحمتکشان نمی‌دهد. با وجود حکومت اسلامی و مادام که شما کارگران و زحمتکشان طومار این رژیم ارتجاعی را درم نیپسچیده و حکومت شورائی خود را مستقر نساخته‌اید، هیچ بهبود جدی در اوضاع اقتصادی و معیشتی و سیاسی به نفع شما و توده مردم حاصل نمی‌شود. پس بدان امید که با تشدید مبارزات خود علیه مرتجعین حاکم، کار رژیم جمهوری اسلامی را بیکسره سازیم و بر ویرانه‌های آن زندگی و نظم نوینی را بنا کنیم، نوروز را به شما و همه مردم زحمتکش ایران تبریک می‌گوئیم و به استقبال سال نو می‌رویم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی

سازمان فدائیان (اقلیت) - اسفند ۱۳۷۸

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

## نشریه کار

بیست و دومین سال انتشار خود را به ایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان

آغاز می‌کند!

## گزیده ای از نامه های رسیده

توصیح کوتاهی برستون گزیده‌ای از نامه های رسیده

رفقا و دوستانی که برای ما نامه می‌نویسند ، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند . عدم تذکر این مسئله ، بمعنی عدم مخالفت نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار میباشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم میگیرد .

تحریریه کار درگزینش نامه ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است.

نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت هایی از نامه های رسیده و همچنین یادداشت‌هایی را که از تشکلهای دمکراتیک دریافت میکند، انتخاب کرده و آنرا بچاپ برساند. درج این مطالب ، لزوماً بمعنی تأیید مواضع نویسندگان نامه یا تشکلهای آنها نیست . از همه رفقا و دوستانی که برای ما نامه مینویسند درخواست میکنیم نامه خود را اگر تایپ نمیکند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و درهرحال بطورخوانا بنویسند. با تشکر قبلی

**باکو :** از باکو نامه‌ای با امضای ( ح . د ) به دستمان رسیده است که در آن از جمله به وضعیت دشوار پناهجویان ایرانی در باکو اشاره شده و گفته شده است که مسئولین سازمان ملل در امور پناهندگی دفتر باکو، به پناهجویان ایرانی مراجعه کننده متقاضی پناهندگی ، جواب رد داده شده است . در اعتراض به این مسئله ۶ تن از پناهجویان در محل "دفتر سازمان جوانان روشنفکر باکو" دست به اعتصاب غذای نامحدود زدند. در اطلاعیه‌های بعدی که از محل پناهجویان اعتصابی ارسال شده است، نسبت به تامین جانی پناهجویان و خطر بازگرداندن آنها به ایران ، اظهار نگرانی شده است. مطالبات اعتصابیون به شرح زیر است: ۱- اعطای پناهندگی و انتقال به یک کشور امن ۲- ایجاد کمپ برای پناهجویان ۳- کمک مالی به پناهجویان و پناهندگان ۴- تامین امنیت جانی پناهجویان.

ما ضمن محکوم کردن بی توجهی و بی مسئولیتی مسئولین دفتر ( U N ) در باکو نسبت به وضعیت پناهجویان ایرانی ، از مطالبات آنها حمایت میکنیم.

**آلمان :** از یکی از شهرهای آلمان نامه ای با امضای ( دنیا . چ ) برایمان فرستاده شده است. در این نامه که با اظهار تبریک به مناسبت کنفرانس هفتم سازمان همراه است، در برابر جمهوریهای نوع بورژوائی از "جمهوری شورا ها یعنی حاکمیت بدون قید و شرط کارگران و زحمتکشان" دفاع شده است و در ضمن با اشاره به مباحثی شبیه، "هویت ملی"، "مردم سالاری" و امثال آن که از سوی جریانات بورژوائی مطرح میشود، در مورد خطر ایجاد "موجی از شوینیسیم کور یا چیز دیگری شبیه به آن برای سرکوب مجدد کارگران و کشاورزان" از "فردای سرنگونی رژیم" هشدار داده شده

## گزیده ای از نامه های رسیده

است. این رفیق که خود شاهد شکل گیری و فعالیت شوراها و همچنین سرکوب آنها بوده است، درانتهای نامه خود به درج قطعه شعری پرداخته و چنین نوشته است " درپایان احساس قلبی خود را نسبت به شوراهای بخون کشیده شده و همچنین تصمیم کنفرانس هفتم تقدیم میدارم " که ما ضمن تشکر و قدردانی این شعر کوتاه را بچاپ میرسانیم.

### خلی

من درد را در ژرفای تاریخ

آنگونه احساس کردم

به هنگامیکه بلمان تاجر و سرمایه

شکافت سینه رفیقانم را

و دشت تفت زده زندگی در بیدادگاه زمان

سرخ گشت و سبز وسیاه!

و آنگاه درانتخابی مصمم

هستی ام را سپردم به رود جاری خون

تا باز هم بر بستر سوگوارو بیدارتارخ محرومان

سمت گیرد

و نیز کوچه های بیرنگ دستهایم را

به او سپردم که بر دیوار هایش!

نقش سرخ و با شکوه شوراها را

در سحرگاه شور و شادی، پیروزی و رهائی

کارگران و زحمتکشانشان دیارم

بیدارگرداند.

### \* - اخیرا کتاب "اسلام ایرانی و حاکمیت سیاسی"

نوشته نویسنده و محقق سرشناس، باقر مومنی برای سازمان ارسال شده است. مطالب این کتاب زیر عنوان های زیر تیتروندی شده است.

- ۱ - بجای مقدمه : مارکسیسم و مذهب از هانری لوفور ۲ - اسلام موجود و اسلام موعود ۳ - ایرانی مسلمان و مسلمان ایرانی ۴ - تضاد روحانیت و تفکر شیعه با فکر دمکراسی و ترقی ۵ - عرف، شرع و حاکمیت سیاسی ۶ - حکومت مذهبی یک فاجعه تاریخی است ۷ - دین و دولت در آثار میرزا آقا خان کرمانی ۸ - در باره روحانیت شیعه ۹ - " روحانیت مشروطه خواه " یک توهم تاریخی ۱۰ - طالقانی و مشروطیت .

### \* - همچنین از هانوفر آلمان چهارمین شماره

"بیدار" - شهریور ۷۸، پیرامون "مارکسیسم و مذهب" برایمان ارسال شده است که حاوی ترجمه مقالاتی از میشال لووی، دیوید مک لان و کورنل وست می باشد. ضمن تشکر فراوان از ارسال این کتاب ها، امیدواریم تلاش ها و فعالیتهای این رفقا و دوستان بمنظور روشنگری هرچه بیشتر قرین موفقیت گردد. پیروزباشید.

### \* - در ضمن دوست عزیز بنام ( فرامرز - م.

ن ) نامه ای برایمان فاکس کرده که در آن به توضیح چگونگی آشنایی و فعالیت خود با سازمان پرداخته است. متن فاکس شده نامه، متأسفانه، ناقص است و مطالب از اواسط آن قطع شده است و لذا انگیزه فرستنده نامه



## مبارک باد ۸ مارس روز جهانی زن

۸ مارس روز جهانی زن فرا رسیده است. ۸ مارس تجلی اعتقاد راسخ زنان به مبارزه علیه تبعیض جنسی و تلاش برای حصول به یک برابری واقعی با مرد است. نزدیک به یک قرن از هنگامی که پیشگامان جنبش جهانی زن، ۸ مارس را روز جهانی زن اعلام نمودند و مبارزه همه جانبه ای را برای کسب برابری حقوقی زن و مرد و برابری واقعی زن و مرد سازمان دادند، می گذرد. از آن زمان تا به امروز در نتیجه همین مبارزه، بهبودی نسبی در مقیاس جهانی در وضعیت زنان صورت گرفته و در تعداد زیادی از کشورهای جهان برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زنان رسماً و قانوناً پذیرفته شده است. اما این فقط یک جنبه قضیه است در دنیایی که از تمدن و پیشرفت، آزادی و حقوق بشر صحبت می شود، زنان هنوز در معرض تبعیض، بی حقوقی و ستم قرار دارند. حتی در کشورهایی که رسماً برابری حقوق زن و مرد پذیرفته شده است، این تبعیض، ستم و نابرابری خود را در عرصه های مختلف نشان میدهد. معهذاً فاجعه و بربریت در آنجاست که در همین جهان کنونی در تعدادی از کشورها هنوز برابری حقوقی نیز به رسمیت شناخته نشده است. کشورهای خاور میانه در این مورد نمونه اند. در این منطقه رژیم های فوق ارتجاعی و دولتهای مذهبی در کشورهایی نظیر افغانستان، عربستان، کویت، امارات متحده و ایران نه تنها برابری حقوق زن و مرد را نمی پذیرند، بلکه زنان را از حق حیات نیز محروم کرده اند.

۲۱ سال است که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در ایران زنان را در معرض وحشیانه ترین تبعیض، ستم و بی حقوقی قرار داده است. تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، نه فقط زنان از حقوق برابر با مردان محروم اند، بلکه زندگی خصوصی آنها نیز تحت کنترل رژیم پلیسی قرار دارد. در اینجا نحوه لباس پوشیدن و رنگ لباس را هم دولت تعیین می کند. رژیم جمهوری اسلامی پا را از این حد نیز فراتر نهاده و سیاست نژاد پرستانه جدا سازی را در مورد زنان به اجرا گذاشته است. این ستم و بی حقوقی زنان چنان ابعاد وحشتناکی به خود گرفته است که امروز حتی عقب مانده ترین زنان مذهبی وابسته به رژیم هم زبان به اعتراض گشوده اند. در این شرایط که اعتراض و مبارزه زنان ایران علیه تبعیض، ستم و نابرابری مداوماً در حال گسترش است، دسته جاتی از درون هیئت حاکمه که خود در تحکیم تبعیض، ستم و نابرابری نقش داشته اند زنان ایران را به یک شهروند درجه دو تقلیل داده اند، حالا ادعای دفاع از زنان و حقوق آنها را می کنند. اما گذشته از این که زنان ایران این شهادان را خوب می شناسند، پوچ بودن ادعای آنها در همین مدت نزدیک به ۳ سالی که از دوران زمامداری خاتمی می گذرد، بازهم آشکار گردید و نشان داده شد که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ بهبودی در وضعیت زنان متصور نیست. چرا که شرط مقدماتی هر بهبودی و اندک جدی در وضعیت زنان و تحقق مطالبات آنها، جدائی دین از دولت است و این جدائی جز از طریق سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن نیست. سازمان فدائیان ( اقلیت ) که دشمن آشتی ناپذیر هرگونه ستم، استثمار، تبعیض، نابرابری و بی حقوقی است و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت شورائی بعنوان وظیفه ای فوری مبارزه می کند، خواهان الغاء فوری هرگونه تبعیض و نابرابری نسبت به زنان است.

هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت باید به فوریت ملغاء گردد و زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان برخوردار گردند.

تمام قوانین و مقررات ارتجاعی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یکجانبه، تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض آمیز در مورد ارث، مقررات حجاب اجباری، جدا سازی زن و مرد در مؤسسات و مراکز عمومی و تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار و غیره و غیره باید به فوریت ملغاء گردند.

هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، اذیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده ممنوع گردد و مجازات شدیدی در مورد نقض آنها اعمال گردد.

زنان باید از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی برخوردار شوند.

زنان باید با آزادی و برابری کامل با مردان در تمام شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مشارکت داشته باشند و بتوانند به تمام مشاغل و مناصب در تمام سطوح دسترسی داشته باشند.

تنها با مبارزه و سرنگونی جمهوری اسلامی است که میتوان این مطالبات فوری زنان را عملی ساخت.

سازمان فدائیان (اقلیت) ۸ مارس را به عموم زنان زحمتکش و همه کسانی که برای برابری زن و مرد و رهائی واقعی زن مبارزه می کنند تبریک می گوید.

### سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی

سازمان فدائیان ( اقلیت ) - ۱۳۷۸/۱۲/۱۵

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

## جاودان باد یاد کمون نخستین حکومت کارگری جهان

## یاد جان باخته‌گان فدائی همواره زنده و جاوید خواهد ماند

از همان آغاز، هنگامی که گروهی از کارگران و روشنفکران انقلابی کمونیست ایران در سال ۱۳۴۹ موجودیت سازمان ما را با مبارزه خود برای آزادی و سوسیالیسم آغاز نمودند، رژیم شاه تمام دستگاه امنیتی، نظامی و پلیسی خود را برای سرکوب چریک‌های فدائی بسیج نمود و نخستین گروه از فدائیان، رفقا جلیل‌انفرادی، علی اکبر صفائی فراهانی، هادی بنده خدا - لنگرودی، احمد فرهودی، غفور حسن پور، اسماعیل معینی عراقی، محمد هادی فاضلی، ناصرسیف‌دلیل صفائی، اسکندر رحیمی، عباس دانش بهزادی، محمد علی محدث قندچی، شجاع الدین مشیدی و هوشنگ نیری را در سرگهگاه ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ به جوخه اعدام سپرد. پیش از این در نبرد سیاهکل، رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمعی در نبرد با مزدوران رژیم شاه جان باخته بودند. مرتجعین می پنداشتند که با این ددمنشی و کشتار آتشی را که زبانه کشیده بود خاموش خواهند کرد و درس عبرتی خواهد شد، برای آنهایی که خیال سرنگونی نظم موجود را در سر دارند. اما باطل بودن این پندار بزودی آشکار شد. فدائی به سمیل مبارزه علیه نظم موجود تبدیل شد. صدها زن و مردی که به آزادی و سوسیالیسم عشق می ورزیدند برای تحقق آرمان‌های انسانی و طبقاتی خود به صفوف سازمان ما پیوستند و پیگیرانه به مبارزه ادامه دادند. مزدوران رژیم شاه دیوانه وار به اقدامات سرکوبگرانه خود ادامه دادند. در سال ۱۳۵۰ دهها تن از فدائیان در درگیری‌های خیابانی توسط ماموران ساواک به قتل رسیدند و دهها تن به جوخه اعدام سپرده شدند. رفقا امیر پرویز پویان، اسکندر صادقی نژاد، جواد سلاحی و مهنوش ابراهیمی در زمره رفقای بودند که در درگیری‌های مسلحانه جان باختند. زمستان ۱۳۵۰ با موج وسیع اعدام‌ها همراه بود. در یازدهم اسفند ماه دژخیمان رژیم شاه، رفقا مسعود و مجید احمد زاده، حمید توکلی، غلامرضا گوی، اسدالله و عباس مفتاحی را به جوخه اعدام سپردند. یک روز بعد رفقا آژنگ، سعید آریان، عبدالکریم حاجیان سه پله و مهدی سوالونی تیرباران شدند. ۲۲ اسفند نه تن دیگر از رفقا، علیرضا نابدل، امین نیا، اردبیلی، علی نقی آرش، تقی زاده، حسن سرکاری، اصغر عرب هریسی، عبدالمناف فلکی تبریزی و اکبر موید به جوخه اعدام سپرده شدند. این سرکوب و کشتار همچنان تا سرنگونی رژیم شاه ادامه داشت. حسن نوروزی، حمید اشرف، احمد زبیرم، ایرج سپهری، یوسف زرکاری، عباس جمشیدی رود باری، هوشنگ اعظمی، احمد مومنی، انوشه و مهدی فضیلت کلام، شیرین فضیلت کلام، زهرا آقایی قلحکی، لادن ونسترن آل‌آقا، لادن آلابوش، مرضیه احمدی اسکوتی، فاطمه افدر نیا، مارتیک قازاریان، حسن فرجودی، میترا بلبل صفت، صبا بیژن زاده، نسرين پنجه شاهی، سیمین پنجه شاهی، مهوش حاتمی، فاطمه حسن پور، افسر السادات حسینی، طاهره خرم، سیمین توکلی، خشایار وکیومرث سنجری، مهدی اقتدارمنش، خرم آبادی، فتحی پناهیان، پوررضا خلیق، اعظم السادات و نزهت السادات روحی‌آهنگران،

مریم شاهی، مینا طالب زاده شوشتری، فاطمه نهانی، عزت و فاطمه غروی، زهره مدیر شانه چی، گلرخ مهدوی، پوران یدالهی، قاسم سیادتی، بیژن جزئی، حسن ضیاءظریفی، عباس سورکی، سعید کلانتری، عزیز سردمی، جلیل افشار، چوپانزاده در زمره صدها رفیق فدائی‌اند که به خاطر آزادی و سوسیالیسم نبرد کردند و جان باختند. اگر در دوران رژیم شاه چند صد تن از رفقای ما به دست جلادان رژیم سلطنتی به قتل رسیدند، جمهوری اسلامی در بیرحمی و قساوت و کشتار کمونیست‌ها و دیگر انقلابیون گوی سبقت را از رژیم شاه ربود و در این بیست و یکسال متجاوز از هزارتن از اعضا و هواداران سازمان ما را به جوخه اعدام سپرد، ترور کرد و یاد درگیری‌های نظامی به قتل رساند. هنوز چند روزی از سرنگونی رژیم شاه نگذشته بود که رژیم جمهوری اسلامی گروهی از فعالین سازمان را در کردستان اعدام کرد. ترور فعالین سازمان را آغاز نمود. چهارتن از رهبران جنبش شورای ترکمن صحرا، رفقا توماج، واحدی، مختوم و جرجانی را ترور کرد. دو برادر میرشکاری را اعدام نمود. دهها تن از فعالین سازمان را در شهرهای مختلف ایران ترور کرد و هنگامی که "اکثریت" به طبقه کارگر و توده زحمتکش خیانت کرد و "اقلیت" سنت پرافتخار فدائیان را در دفاع از آزادی و سوسیالیسم، دفاع از منافع طبقه کارگر و توده زحمتکش ادامه داد، رژیم جمهوری اسلامی تا اواخر سال ۶۴ صدها تن از فدائیان اقلیت را به جرم دفاع از آزادی و سوسیالیسم، دفاع از منافع طبقه کارگر به جوخه اعدام سپرد. در جریان این سرکوب‌ها، دهها تن از رزمندگان فدائی در رو در روئی مسلحانه با مزدوران رژیم به قتل رسیدند.

پاسداران حکومت الله با بیرحمی تمام دهها و صدها تن از پیشروترین کارگران ایران را که در صفوف سازمان ما مبارزه میکردند، کشتار کردند. جهانگیرقلعه میاندوآب، مرتضی کریمی خیرالله حسونند، جهانبخش سرخوش، ابرندی، احمد منادی، غلامرضا مولاچی، نمونه دهها کارگری هستند که توسط دژخیمان رژیم به قتل رسیدند. جمهوری اسلامی شاعر و نویسنده کمونیست، سعید سلطانیپور را باخطر عضویت در سازمان ما به جوخه اعدام سپرد. جمهوری اسلامی برجسته ترین رهبران و کارد های سازمان ما، رفقا منصور اسکندری، احمد غلامیان لنگرودی (هادی)، محسن مدیرشانه‌چی، نظام، سیامک اسدیان، محمد رضا بهکیش (کاظم)، اشرف بهکیش، ویدا گلی آبکناری (لیلا)، نفیسه ناصری (نسترن)، منیژه طالبی، توکل اسدیان، مسعود رحمتی، انور اعظمی، رشید حسینی، جعفر پنجه شاهی (خشایار)، قاسم سید باقری، داوود مدائن، و دهها کادر برجسته سازمان را به جوخه اعدام سپرد و یادریختن آنها به قتل رساند.

رژیم جمهوری اسلامی بیرحمی را تا به آنجا رساند که صدها تن از هواداران سازمان رانیز صرفاً به جرم پخش نشریات سازمان اعدام کرد. دهها تن از فعالین سازمان نیز در کشتار بیرحمانه تابستان ۶۷ تیر باران شدند. این

در صفحه ۱۲

## گزیده ای از نامه های رسیده

برایمان مشخص نشد. این دوست عزیز چنانچه مایل باشند میتوانند متن کامل نامه خود را مجدداً برایمان بفرستند.

**هلند** - دوست بسیار عزیز، م، آدرس جدید شما را دریافت کردیم. همچنین باقیمانده وجه مربوط به آئونه نشریه که فرستاده بودید، به دستمان رسید. همانطور که خواسته‌اید، نشریه را به آدرس جدید شما می‌فرستیم. پیروز باشید.

**پاکو** - از سوی پناهجویان ایرانی در پاکو که از مدتی پیش دست به اعتصاب غذا زده بودند، فاکسی با امضای "کمیتة اعتصاب غذا" برایمان فرستاده شده است. در این یادداشت از جمله آمده است "در مدت زمان اعتصاب غذا سازمانهای مدافع حقوق بشر آذربایجان نیز اعتصاب کنندگان را مورد حمایت قرار دادند" و سپس اضافه شده است که در پی درخواست پنج سازمان مدافع حقوق انسانی مبنی بر پایان دادن به اعتصاب غذا، مشروط بر به عهده گرفتن و پی گیری مشکلات پناهجویان، اعتصاب کنندگان موقتا به اعتصاب غذا پایان دادند. امضای کنندگان همچنین ضمن اظهار قدرانی از سازمانها و نیروهای انقلابی که با ارسال نامه وفاکس های حمایتی به دفتر سازمان ملل از پناه جویان حمایت کرده بودند، با مبارزه این جریانه‌ها علیه جمهوری اسلامی، ابراز همراهی نموده‌اند.

**آلمان** - از هانوفر نامه کوتاهی با امضای (ک. پ) همراه با مطلبی تحت عنوان "تکرار تناقضات پیشین" برای درج در ستون مباحثات برایمان ارسال شده است. در رابطه با این نوشته، نویسنده چنین اظهار نموده است که "این مطلب در نقد قطعنامه کنفرانس هفتم سازمان در رابطه با شکست انقلاب سوسیالیستی در شوروی نوشته شده است". با پوزش از این رفیق عزیز، به دلیل کمبود جا مجبوریم درج آن را به شماره های آینده نشریه موکول کنیم. پیروز باشید.

\* - نامه ای با امضای "هیئت بر گزار کننده کنفرانس دوم فعالین کمونیست جنبش کارگری" مورخ دوم فوریه دو هزار، به دستمان رسیده است. امضای کنندگان این نامه کوتاه، توضیح داده اند که خبربرگزاری اولین "کنفرانس فعالین کمونیست جنبش کارگری" توسط نشریه "اطلس" "جعل" شده است و در ضمن سردبیر این نشریه، از درج نامه اعتراضی آنها که به منظور "تصحیح" خبر مربوطه فرستاده اند، اجتناب نموده است. این دوستان، نامه اعتراضی خود را بعنوان "سند" برای ما نیز فاکس نموده و خواستار درج آن در نشریه شده اند. با پوزش از این دوستان، بعلت کمبود جا از درج نامه و سند ضمیمه آن در این شماره معذوریم و مجبوریم آنرا به بعد موکول کنیم.

## چرا دستمزدها طبق خواست کارگران اضافه نمی شود؟

ایشان را تامین کنند، در میان نیست. شواهد موجود حاکی از تکرار همان سناریوی سالهای گذشته است تا طبق رقم سازی های بانک مرکزی و این ادعا که نرخ رشد تورم حدود ۲۰ درصد است، بر میزان حد اقل دستمزدها نیز، ظاهراً چیزی در همین حدود اضافه شود. اواخر ماه گذشته محمد دانشور، یکی از کسانی که عنوان نماینده کارگران در شورای عالی کار را پدک می کشد، در جلسه مشترک کانون هم‌انگهی انجمن های اسلامی کارخانجات محور جاده قدیم و جاده مخصوص کرج گفت که این کانون از وزیر کار در خواست کرده است تا موضوع افزایش دستمزدها در دستور کار شورای عالی کار قرار بگیرد و این شورا در مدت باقی مانده تا پایان سال در خصوص میزان حداقل دستمزدها اتخاذ تصمیم نماید. وی چنین اظهار امیدواری نمود که به منظور حفظ قدرت خرید کارگران، به میزان نرخ رشد تورم اعلام شده یعنی حدود ۲۰ درصد بر دستمزدها افزوده شود. (کار و کارگر ۲۸ بهمن ۷۸).

با وجود آنکه دولت و شورای عالی کار هیچ رغبتی به بحث پیرامون افزایش دستمزدهای کارگری نشان نداد، اما تحت فشار کارگران، سرانجام این "شورا" مجبور شد روز یازدهم اسفند این بحث را در دستور کار خویش قرار دهد. با این همه با توجه به ترکیب و ماهیت شورایی عالی کار و جانبداری آن از سرمایه داران و کارفرمایان، بنظر نمی رسد تصمیمی فراتر از گذشته و از حدود چارچوبهای اعلام شده بانک مرکزی اتخاذ نماید. وقتی که باصطلاح نماینده کارگران در شورای عالی کار، طبق ساز دولت و بانک مرکزی اش می رقصد، دیگر تکلیف سایر اعضا آن، معلوم است و معلوم است که این ارگان مدافع منافع سرمایه داران، همانطور که تا کنون نیز نشان داده است، نه قرار است روال گذشته را ترک کند و نه اساساً می خواهد و یا می تواند جانب کارفرمایان و سرمایه داران را رها کند. معیناً هر کارگر آگاهی می داند که رقم واقعی نرخ تورم بسیار بیشتر از ۲۰ درصد است. هر چند در مورد این ادعای رژیم و بانک مرکزی آن نیازی به ارائه آمار و ارقام مفصل وجود ندارد و کارگران در زندگی روزمره خود از ناحیه تورم افسار گسیخته و افزایش سرسام آور و نگاه چند برابر شدن قیمت ها، تشدید فشار را با گوشت و پوست خود لمس میکنند، معیناً باید اشاره نمود که نرخ رشد تورم به چند برابر دست کم به دو برابر رقم ادعائی رژیم می رسد. آماری که تصادفاً در برخی روزنامه های رژیم انتشار یافته است، بیانگر این حقیقت است که نرخ تورم نسبت به سال قبل بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته است. برای نمونه به استناد روزنامه رسالت، در تابستان سال جاری، قیمت برنج و غلات بیش از ۵۳ درصد آب و برق و سوخت حدود ۴۰ درصد، روغن، کره و پنیر حدود ۲۶ درصد، گوشت، مرغ، ماهی، امور بهداشتی، درمانی و خدماتی بیش از ۲۵ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافته است. آمار و ارقامی که همین روزنامه چند ماه بعد از آن انتشار داد، نشان می دهد که ابعاد مسئله از این هم بسیار فراتر است. این ارقام ناظر بر آن است که در اواسط

سال جاری قیمت انواع برنج بیشتر از ۲۰۰ درصد، حبوبات ۲۶۰ درصد، گوشت مرغ ۱۷۵ درصد گوشت گاو و گوسفند حدود ۱۶۵ درصد و قند و شکر ۱۹۷ درصد نسبت به زمان مشابه سال قبل افزایش یافته است. باید توجه کرد که روند افزایش قیمت ها کماکان ادامه یافته و به کالاهای نیز محدود نشده است.

بنابراین روشن است که اگر ۲۰ درصد هم بر میزان حد اقل دستمزدهای کارگری اضافه شود، بر خلاف ادعای کسانی که خود را به عنوان نماینده کارگران جازده اند، اما از منافع دولت و سرمایه داران دفاع می کنند، قدرت خرید کارگران در حد سال گذشته نیز حفظ نمی شود، حتی چنانچه قیمت کالاها و خدمات نیز در حد فعلی آن ثابت بماند، ولی بازم از قدرت خرید کارگران و دستمزدهای واقعی، عملاً کاسته شده است، حال آنکه می دانیم قیمت های فعلی ثابت نمی ماند و همینکه حرف افزایش دستمزد زده میشود و حتی قبل از عملی شدن آن، قیمت ها بسرعت بطور رسمی و غیر رسمی سیر صعودی می پیماید و این افزایش اندک و اسمی دستمزدها را نیز خنثی می سازد. امروزه مسئله عدم هماهنگی میان دستمزدها و هزینه ها و کاهش مداوم قدرت خرید کارگران که افزایش دستمزد ها را به امر فوری توده کارگران تبدیل نموده است، آنقدر آشکار و عیان است که حتی مسئولین خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار نیز زیر فشار کارگران به آن اعتراف می کنند. برای نمونه یکی از مسئولین خانه کارگر در گردهم آئی مشترک به اصطلاح نمایندگان کارگران و مدیران ادارات کار و تامین اجتماعی استناد اربیل در این مورد چنین می گوید:

" همه ساله افزایش حقوق کارگران بر مبنای نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و سایر مراجع ناصحاً صورت میگیرد و این در حالیست که نرخ واقعی تورم جامعه بیش از اینهاست" وی به این واقعیت دردناک نیز اشاره می کند که تنزل دستمزدهای واقعی و کاهش دائمی قدرت خرید کارگران، بسیاری از کارگران را مجبور ساخته است تا برای گذران زندگی و تامین مایحتاج خانواده خود علاوه بر کار در کارخانه، به شغل های دیگری نیز روی بیاورند. (کار و کارگر ۱۶ بهمن ۷۸) یک عضو علی \_ اللیل شورای عالی کار با استناد به آمار و ارقام میگوید " در حال حاضر حداقل دستمزد زیر حداقل معیشت و حتی زیر خط فقر میباشد" (کار و کارگر ۲۵ بهمن ۷۸) آقای محبوب دبیر کل خانه کارگر میگوید " میزان افزایش واقعی دستمزدها در طول ده سال گذشته نسبت به میانگین تورم ده ساله بانک مرکزی کاهش زیادی یافته است و در مجموع در طول ده سال گذشته دستمزد واقعی کارگران از نرخ تورم ۱۱۰ درصد عقب است" او نیز به این واقعیت اشاره می کند که در طول سالهای گذشته از قدرت خرید کارگران پیوسته کاسته شده و دستمزدهای کارگری کفاف هزینه خانوار کارگری را نمی دهد. نامبرده در عین حال چنین اضافه میکند که میزان حد اقل دستمزد ماهانه پیشنهادی نمایندگان کارگران در شورای عالی کار ۷۷۰ هزار ریال است که این رقم طبق معیارها و آمار سازمان برنامه و بودجه، میزان

حداقل درآمد یک خانوار است. آقای صادقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار نیز ضمن اشاره به اینکه در طی ده سال گذشته نرخ رشد دستمزدها از نرخ رشد واقعی تورم عقب مانده است، در مورد نرخ تورم سال جاری نیز میگوید "نرخ رشد تورم برای کالا های اساسی در سال جاری، ده درصد بیش از نرخ اسمی اعلام شده از سوی بانک مرکزی بوده است" او نیز به استناد آمار سازمان برنامه و بودجه، می گوید خط فقر ۷۷ هزار تومان است حال آن که دستمزد کارگران ۳۷ هزار تومان است. علاوه بر این کانون یاد شده نیز در نامه سرگشاده ای به رئیس جمهور ضمن اشاره به مواردی که فوقاً به آن اشاره شد، خواهان آن شد که ماهیانه رقمی حدود ۷۰۰ هزار ریال میانگین مزد کارگران افزایش یابد. وقتی شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر و سران آنها که نقش چشم و گوش رژیم در میان کارگران را بازی می کنند و در خراب کاری و به انحراف کشاندن مبارزات کارگران ید طولائی دارند، این چنین ازنازل بودن سطح دستمزدها صحبت میکنند، ولوبا عنوان کردن این که " افزایش دستمزدها ابزار مهم رونق اقتصادی است"، توجه اربابان خویش را به مسئله افزایش دستمزدها جلب می کنند، دیگر تصور اوضاع واقعی در میان توده وسیع کارگران و خواست مبرم و حیاتی افزایش دستمزد ها به میزانی که حد اقل دستمزدها دست کم از رقمی که به عنوان خط فقر عنوان شده است، پائین تر نباشد، مشکل نیست. اعترافات کارگزاران رژیم که به نحوی از انحا با مسائل و محیط های کارگری درگیرند، به روشنی اوضاع و خامت با اقتصادی و معیشتی کارگران و تشدید فشارهایی را که دیگر از حد تحمل فراتر رفته است، تصویر میکند. فاصله فاحش میان دستمزدهای کارگری و هزینه های رو به تزاید زندگی و ناهماهنگی فاحش میان افزایش ناچیز دستمزدهای اسمی با نرخ واقعی رشد تورم، قدرت خرید کارگران را به شدت کاهش داده است و فقر و گرسنگی فاجعه بار و دردناکی را دامنگیر خانواده های کارگری نموده است. کارگران با دستمزدهای ناچیز و حتی با اضافه کاری و تلاش در خارج از کارخانه و هزار جان کندن نیز قادر نیستند حداقل معیشت خود و اعضا خانواده خود را تامین کنند. از اینرو کارگران خواهان افزایش بلادرت دستمزدها هستند.

کارگران از رژیم حاکم سؤال می کنند چرا دستمزدها طبق خواست آنها اضافه نمی شود؟ چرا بایستی کارگران و خانواده های کارگری گرسنگی بکشند و زیر خط فقر باشند و در عوض میلیاردها تومان حاصل دسترنج آنها توسط سرمایه داران و مدیران و مشتی غارتگر به جیب زده شود؟ در حالیکه کارگران مولد ثروت های اجتماعی و آفریننده نعمات زندگی اند، چرا خود از این نعمات نصیب و بهره ای نمی برند؟ و در همان حال ناظر آند که این ثروتهای اجتماعی توسط دولت و وابستگان حکومتی حیف و میل می گردد تا آنجا که بعنوان نمونه اخیراً میلیاردها ریال صرف هزینه های تبلیغات انتخاباتی آنها می شود؟ (\*)

کارگران مصرانه خواهان افزایش دستمزدها هستند. اگر سال گذشته، پائین نگاهداشتن

## گفتگوی نشریه کاربا رفیق پروین نیک آئین عضو کمیته اجرایی سازمان در مورد جنبش زنان

**پرسش** \_ قبل از هر سئوالی لطفاً به طور خلاصه در مورد سرمنشأ ۸ مارس و خواست های زنان در آن مقطع توضیح دهید.

**پاسخ** \_ سرمنشأ ۸ مارس را باید در شرایط کار و زندگی و مبارزات زنان کارگر در اواخر قرن ۱۹ و اوائل قرن ۲۰ جستجو کرد. در آن سالها، زنان کارگر وحشیانه استثمار می شدند و علیرغم ساعات طولانی و نامحدود کار، دستمزد ناچیز می گرفتند. همچنین زنان در سطح جهان از حقوق مدنی و سیاسی بی بهره بودند. این شرایط سبب شکل گیری حرکات اعتراضی و تظاهرات متعددی از سوی زنان کارگر شده بود. از جمله، زنان کارگرنساج آمریکا، در پی یک رشته مبارزات که به درگیری خونین با نیروهای سرکوبگر و دستگیری زنان انجامیده بود، روز ۸ مارس سال ۱۹۰۸ با خواست کاهش ساعت کارروانه، حق رای برای زنان، و ممنوعیت بهره کشی از کودکان در نیویورک دست به تظاهرات زدند. دو سال بعد "کنفرانس زنان سوسیالیست" که در شهر کپنهاگ تشکیل شده بود، با اعلام پشتیبانی از مبارزات زنان کارگر برای کسب حقوق سیاسی و مدنی و از جمله حق رای، به پیشنهاد کلارا زتکین از رهبران حزب سوسیالیست آلمان و از بنیانگذاران "کنفرانس زنان سوسیالیست"، ۸ مارس را بعنوان روز جهانی زنان کارگر به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۱۱ نیز کنگره انترناسیونال دوم از تصمیم کنفرانس زنان سوسیالیست حمایت کرد و از آن زمان تا کنون زنان در اغلب کشورهای جهان، ۸ مارس با برگزاری گردهم آئی ها و انجام راهپیمائی و تظاهرات، مطالبات خود را مطرح می نمایند. از سال ۱۹۷۵ به این سوسازمان ملل ۸ مارس را بعنوان روز جهانی زن به رسمیت شناخته است.

در ایران، هم رژیم سلطنتی شاه و هم حکومت اسلامی از به رسمیت شناختن ۸ مارس خودداری کردند. اما ۸ مارس برای زنان ایران نیز سمبل مبارزه برای رهایی از ستم جنسی است. طی ۲۰ سال گذشته، علیرغم ممنوعیت برپائی مراسم روز جهانی زن، هر ساله زنان آگاه این روز را در محافل و تجمعات دوستانه و غیر رسمی جشن میگیرند.

**پرسش** \_ دستاوردهای زنان جهان را در این دوران چگونه ارزیابی می کنید؟

**پاسخ** \_ از اوائل قرن بیستم تا کنون زنان در اقصی نقاط جهان نیروی فعال انقلابات و دگرگونی های سیاسی بوده اند. در تمام این دوران، زنان علیه ستم جنسی مبارزه کرده اند. اما اکنون پس از پایان نزدیک به یک قرن که از پیدایش روز جهانی زن می گذرد، اگر به عقب نگاه کنیم می بینیم که در کشورهای پیشرفته سرمایه داری زنان به برابری حقوقی با مردان دست یافته اند. در کشورهای شرق اروپا، گرچه انقلاب اکتبر و به تبع آن انقلاب در سایر کشورهای اروپای شرقی، سرمنشأ تغییرات رادیکالی در زندگی زنان این کشورها شد، اما با فروپاشی بلوک شرق، سیر قهقرائی در شرایط اقتصادی و حقوقی و سیاسی زنان آغاز شد. در بسیاری از کشورهای پیرامونی، زنان هنوز حتی بر روی کاغذ نیز با مردان برابر نیستند. در کشورهایی، مانند ایران و افغانستان، با قدرت گیری ارتجاع مذهبی زنان رسماً شهروند درجه دوم محسوب می شوند. در عین مبارزات نزدیک به یک قرن گذشته علیه ستم جنسی، تجربیات گرانبھائی برای جنبش زنان و سایر جنبش های انقلابی و مترقی در برداشته است.

**پرسش** \_ موقعیت جنبش زنان در سطح جهانی در لحظه کنونی چگونه است، علت فروکش مبارزات جهانی زنان را در چه می بینید؟ چشم انداز این مبارزات کدام است؟

**پاسخ** \_ جنبش زنان یک جنبش درخود نیست، بلکه همانند سایر جنبش ها از شرایط جهانی، پیشروی یا شکست سایر جنبش ها، و توازن قوا در هر لحظه معین تاثیر میگیرد. شکست انقلابات کارگری قرن گذشته، یک قطبی شدن جهان، تهاجم به طبقه کارگر و سایر جنبش های مترقی و انقلابی را در پی داشته است. جنبش زنان نیز به عنوان جزئی از جنبش مبارزه در راه برابری، از این تعرض در امان نبوده است. در اثر تغییرات دوده گذشته در اوضاع جهانی، جنبش طبقه کارگر و جنبش زنان نیز در وضعیتی تداومی قرار گرفته اند. بسیاری از دستاوردها باز پس گرفته شده اند. تجربه جنبش زنان در کشورهای پیشرفته سرمایه داری

نشان داد که گرچه زنان این کشورها در نتیجه مبارزات خود به برابری حقوقی با مردان دست یافتند، اما برابری حقوقی زنان و مردان در چهارچوب روابط اقتصادی \_ اجتماعی موجود نیز شرایط برابر با مردان را برای زنان فراهم نکرد. زنان این کشورها هنوز در موقعیت پائین تری از مردان قرار دارند. در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری زنان ۲۰ \_ ۳۰ درصد کمتر از مردان دستمزد میگیرند. زنان در جائی که همپای مردان در خارج از خانه کار میکنند، بار وظائف خانه داری و نگهداری از فرزندان را بر دوش می کشند. غالب مشاغل سطح بالای دولتی در انحصار مردان است و بخش اعظم اقشار فقیر و کم درآمد را زنان تشکیل می دهند. با تهاجم سرمایه داری، بسیاری از همین حقوق نیز باز پس گرفته شده است. این تجربه آشکارا نشان داد که برابری حقوق زنان با مردان گرچه گامی بسیار ضروری در مبارزه زنان برای رهایی از ستم جنسی است، اما به شدت ناکافی، محدود و شکننده است. برابری حقوقی، برابری در چهارچوب نا برابری های جامعه طبقاتی است.

از سوی دیگر روند روز افزون هرچه جهانی تر شدن سرمایه، مبارزه زنان را همگون تر میکند. در شرایط امروز، سرمایه در جستجوی نیروی کار ارزان از آمریکا تا آسیا، اروپا تا آفریقا را درمی نوردد و در تمام این مناطق، بدون استثنا زنان کارگر را با پرداخت کمترین دستمزد و با غیرانسانی ترین شرایط به کار میگیرد. بنابراین زنان در تمام این مناطق، علاوه بر مبارزه برای حقوق مدنی و سیاسی برابر در کشور خودشان، مبارزه مشترکی علیه سرمایه جهانی پیش رو دارند. روند جهانی تر شدن سرمایه، به اضافه قدرت گیری حکومت های ارتجاعی \_ مذهبی در برخی کشورها از جمله ایران، سبب میشود زنان کشورهای پیرامونی نقش فعال تر و بارزتری علیه ستم جنسی ایفا نمایند. با توجه به نکات ذکر شده چشم انداز مبارزات زنان را می توان به این شکل ترسیم کرد که مبارزه زنان علیه ستم جنسی، هرچه بیشتر با مبارزه علیه استثمار طبقاتی درهم می آمیزد، این مبارزه همگون تر می شود و زنان کشورهای پیرامونی نقش بارزتری در کل این مبارزه ایفا خواهند کرد.

در عین ترسیم چنین چشم انداز روشن و امیدوارکننده ای برای جنبش زنان علیه ستم جنسی، باید بر ضرورت مبارزه ایدئولوژیک با تئوری های که جز تداوم اسارت زنان هدف و رسالتی ندارند، تاکید کرد. از جمله باید به تئوری نسبی گرائی فرهنگی اشاره کرد. ایدئولوژیهای بورژوا در مقابل چشم اندازی که جنبش زنان پیش رو دارد، با سلاح نسبی گرائی فرهنگی پا به میدان گذاشته اند تا جنبش زنان علیه ستم جنسی را پاره پاره کنند. با توسل به نسبی گرائی فرهنگی، شنیع ترین جلوه های مردسالاری، و تحقیر زنان را توجیه میکنند. اگر چه سلاح نسبی گرائی فرهنگی که (سنگ) احترام به فرهنگ و سنت " های بومی را به سینه میزند) از زادخانه ایدئولوژیک کشورهای امپریالیستی شلیک می شود، و علی الظاهر تنها کشورهای پیرامونی را نشانه گرفته تا نفس وجود حکومت های مانند جمهوری اسلامی و اقدامات زن ستیز و ضد بشری آنها را توجیه کند، اما در نهایت این سلاحی است علیه جنبش زنان و دمکراسی، حتی در خود کشورهای امپریالیستی. اینجاست که بی تفاوتی و در مواردی سکوت تأئید آمیز فمینیست های کشورهای غربی در برابر تز نسبیت فرهنگی، غیر قابل توجیه، و ارتجاعی است. اگر امروز در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری، وقتی زنی به دست شوهر، یا دختری به دست پدر یا برادرش به قتل میرسد، با این توجیه که قاتل مسلمان است تبصره ای به قانون افزوده میشود و قتل نفس به " فرهنگ و سنت " تعبیر می شود، فردا دهها تبصره مشابه زنان اروپائی را نشانه خواهد رفت.

**پرسش** \_ حالا به جامعه ایران باز گردیم، اول کمی در مورد تاریخچه جنبش زنان در ایران توضیح دهید.

**پاسخ** \_ جنبش نوین زنان ایران از انقلاب مشروطه و اندکی قبل از آن آغاز به شکل گیری می کند. در رشته مبارزاتی که به انقلاب مشروطه منجر شد، زنان نقش فعالی داشتند. شرکت زنان در جنبش تحریم تنباکو و سپس در خود انقلاب مشروطه معرف خاص و عام است. با عدم تحقق مطالبات دمکراتیک که انقلاب مشروطه در دستور کار داشت، زنان



## از صفحه ۷

نیزخواست هایشان متحقق نشد. قانون اساسی مشروطیت، زنان را در ردیف کلاهداران، قاتلان و دزدان و جنایتکاران از حق رای محروم ساخت.

از آن زمان تا کنون مبارزه زنان ایران برای برابری تداوم داشته و افت و خیز بسیاری را پشت سر گذاشته است. زنان در همه تحولات سیاسی و انقلابی فعال بوده‌اند، اما تا ۱۳۵۷ و به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، تغییرات محدودی در وضعیت حقوقی آنان ایجاد شده بود. تا اینکه در سال ۵۷ حکومت اسلامی حقوق بالفعل زنان را نیز یکسر بازپس گرفت و آنان را رسماً شهروندان درجه دوم قلمداد کرد. دو نکته قابل توجه در مبارزات زنان ایران از انقلاب مشروطه تا کنون این است که اولاً تشکل‌های زنان تنها در شرایطی امکان فعالیت یافته‌اند که تحول اوضاع سیاسی طبقه حاکم را در کنترل اوضاع و برقرارداشتن سانسور و خفقان ناتوان کرده. درچنین شرایطی تشکل‌های زنان به سرعت ایجاد شده و گسترش یافته‌اند و به محض اینکه طبقه حاکم قدرت سرکوب‌اش را مجدداً سازماندهی کرده، درهم کوبیده شده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به فضای بالنسبه دمکراتیک اوائل قرن چهاردهم شمسی، اوائل دهه سی و همچنین دوران کوتاه پس از انقلاب ۵۷ اشاره کرد. نکته دوم این است که درتمام این سالها، طبقه حاکم با سرکوب تشکل‌های مدافع حقوق زنان، مطالبات زنان را به شکلی بسیار سر و دم بریده و مسخ شده، به شکلی بوروکراتیک و از بالا به عنوان حقی که گویا طبقه حاکم به زنان اعطا می‌کند، طرح کرده است. این امر در مطالبه لغو حجاب اجباری که سال‌ها توسط حزب کمونیست ایران، برخی انجمن‌های زنان و روشنفکران مترقی طرح میشد و سرانجام به صورت دفرمه شده "کنف حجاب" اجباری رضا خان دیده میشود. از همین نوع است مسئله حق رای که چند دهه مبارزه زنان پشت آن بود و سرانجام درسال ۱۳۴۱ به عنوان "عطایای ملوکانه" محمد رضا شاه به زنان ایران مطرح شد.

**پرسش** - از زنان همواره به عنوان نیمی از جمعیت یاد می‌شود، آیا آماری از تعداد کل زنان ایران و بخش شاغل آن در دست هست؟ در مورد وضعیت و عرصه‌های شغلی زنان، امکانات و محدودیت‌هایی که در این مورد هست توضیح دهید.

**پاسخ** - آمار رسمی حاصل از سرشماری سال ۱۳۵۷ حاکی است که ۲۹۵۴۰۳۲۹ یعنی ۴۹/۱۹ درصد کل جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهند. ۱۲/۱۲ درصد از زنان ایران شاغل‌اند. باز بنابر همین آمار زنان ۱۰ درصد کل نیروی فعال جامعه را تشکیل می‌دهند و ۴/۷۴ درصد کل کارگران شاغل کشور زن هستند. به جز زنان کارگر، سایر زنان شاغل عمدتاً در مشاغلی که سنتاً زنانه هستند یعنی آموزش و بهداشت و درمان به کار اشتغال دارند. مابقی نیز در سایر رشته‌ها - البته آن رشته‌هایی که برای زنان ممنوع نیستند، شاغل‌اند. آمار رسمی حاکی است زنان، سرپرست بیش از یک میلیون خانوار هستند. هرچند که رئیس سازمان بهزیستی درهمایش "جایگاه زن درسرپرستی خانواده" گفت بنا بر آمار غیر رسمی، تعداد این خانواده‌ها به ۳ میلیون میرسد. صرفنظر از اینکه زنان شاغل چه تحصیلاتی دارند، درچه رشته‌ای و درکجا کار می‌کنند، عموماً در یک امر مشترک‌اند و آن اینکه به دلیل زن بودن مورد تبعیض قرار می‌گیرند.

**پرسش** - وضعیت زنان کارگر چگونه است؟

**پاسخ** - آماری که از زنان کارگر ذکر شد، البته (به فرض صحت) تنها کارگران کارخانه‌ها و کارگاهها را در بر میگیرد. حال آنکه بخش قابل توجهی از زنان کارگرخانگی هستند. اینان در ازای کار مشخصی که در خانه برای صاحب کار یا واسطه‌ها انجام میدهند، دستمزد می‌گیرند. وضعیت این دسته از زنان کارگر واقعاً اسف‌بار است. اینها کمتر از نیمی از دستمزد یک کارگر کارخانه یا کارگاه را برای انجام کار مشابه دریافت میکنند. این دسته از زنان کارگر که عمدتاً به دوزندگی، تولید مواد غذایی، سرهم کردن و مسائل مختلف خانگی، زدن برچسب و قالبیابی اشتغال دارند، غالباً سرپرست خانواده نیز هستند و از ناگزیری به چنین شرایطی تن می‌دهند. اغلب این زنان کارگر به دلیل اعتیاد یا فوت شوهر، جدائی و دلالت مشابه، تامین هزینه و سرپرستی فرزندان را نیز بردوش می‌کشند. اینها از هیچگونه تامین اجتماعی برخوردار نیستند، صاحب کار هیچگونه تعهدی درقبال آنها ندارد و به دلیل دستمزد ناچیزشان در فقر مطلق بسر می‌برند.

در وهله بعد کارگران کارگاه‌ها هستند که در شرایط سخت و جان فرسائی به کار گرفته می‌شوند. کارگران کارگاه‌ها نیز در موارد بسیاری از حقوق و مزایای قانونی محروم‌اند. این کارگران عمدتاً در کارگاههای خیاطی، قالبیابی، کارگاههای تولید اسباب بازی و امثالهم شاغل‌اند. بخشی از زنان کارگر نیز درکوره پزخانه‌ها کار می‌کنند. شرایط کاری اینان نیازی به توضیح ندارد.

کارگران کارخانه‌ها عمدتاً در رشته‌های مونتاژ و دربخش بسته بندی کارخانه‌های مختلف کار می‌کنند. البته درمجموع سرمایه‌داران بیشتر ترجیح می‌دهند از نیروی کار زنان به صورت کارگر خانگی و یا در کارگاهها استفاده کنند و به کارگیری کارگران زن در کارخانه‌ها در مجموع محدود تر است. در ارتباط با اجرای سیاست تعدیل اقتصادی، تعدادی از زنان کارگر هم اخراج شدند. در مواردی دختران جوان را به جای آنان استخدام کردند. واز آنها تعهد گرفتند که تا پایان قراردادشان ازدواج نکنند و بچه‌دار نشوند. این راهی بود تا سرمایه‌داران از پرداخت هزینه‌های مربوط به دوران بارداری، مرخصی زایمان و مهد کودک معاف شوند.

زنان کارگر کارخانه‌ها از سوئی همانند همه کارگران با عدم پرداخت دستمزدها، تعطیلی کارخانه‌ها و اخراج مواجه‌اند. و از سوی دیگر در مقایسه با مردان کارگر، از بسیاری از حقوق و مزایا محرومند. آنها دستمزد کمتری از همکاران مردشان می‌گیرند. ارتقاء شغلی در رابطه با زنان کارگرمفهومی ندارد، امکان آموزش فنی و حرفه‌ای ندارند و با آنکه حق بیمه و بازنشستگی مساوی با مردان کارگر می‌پردازند، از امکانات کمتری بهره می‌برند. علاوه بر اینها طرحی که دو هفته پیش در مجلس ارتجاع تصویب شد و طبق آن کارگاههای زیر ۵ نفر رسماً از شمول قانون کار خارج می‌شوند، تأثیرات بلاواسطه‌ای بر وضعیت زنان کارگر بر جای خواهد گذاشت. این قانون به کارفرمایان رسماً اجازه می‌دهد که با بهره‌کشی از کار کودکان، زنان کارگر را راحت تر اخراج کنند و سطح دستمزد را باز هم پائین تر بکشند.

**پرسش** - مطالبات زنان ایران کدامند؟

**پاسخ** - زنان خواهان حقوق برابر با مردان در تمامی عرصه‌های زندگی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی هستند. زنان می‌خواهند در عرصه زندگی اجتماعی از فرصت‌ها و موقعیت‌های برابر با مردان برخوردار باشند. در چهارچوب خانواده نیز خواهان لغو تمامی قوانین جنس‌گرایانه و زن‌ستیز موجود هستند. واقعیت این است که زنان ایران علیرغم اینکه حدود یک قرن مبارزه در شکل نوین آن را پشت سر گذارده‌اند، هیچگاه حتی‌از نظر قانونی با مردان حقوق برابر نداشته‌اند. آنچه از مبارزات زنان بویژه در دو دهه اخیر می‌توان جمع بندی کرد این است که حقوق برابر در تمامی زمینه‌های اجتماعی و زندگی فردی، خواست عاجل زنان است. تحقق این امر البته مستلزم جدائی کامل دین از دولت است.

**پرسش** - مبارزات زنان ایران برای رسیدن به این مطالبات را چگونه ارزیابی می‌کنید، نقاط قوت و ضعف این مبارزات چیست؟

**پاسخ** - پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و تصویب قوانین فوق ارتجاعی علیه زنان، مقابله و مبارزه مداومی توسط زنان سازمان دهی شده است. اجرای قوانین زن‌ستیز حکومت در هر عرصه‌ای، مقابله و مبارزه زنان را به دنبال داشته است.

مسئله حجاب اجباری و برخورد زنان به این پدیده، ریشخند کردن حاکمان و دهن کجی به آنان عمومی‌ترین و آشکارترین وجه این مبارزه است اما مطلقاً همه ابعاد آن را نشان نمی‌دهد. در کارخانه، اداره، مدرسه و دانشگاه در دو دهه گذشته کشاکش مداومی میان مزدوران انجمن اسلامی و سایر عوامل رژیم، با زنان برسر تحمیل ضوابط شرعی و رعایت آپار تاید جنسی وجود داشته است. حاکمیت جمهوری اسلامی به تقویت فوق‌العاده موقعیت مرد در درون خانواده منجر شد. قوانین اسلامی حتی به مرد اجازه می‌دهد زنش را بکشد بدون اینکه مجازاتی درانتظارش باشد. این نیز عرصه دیگری برای مبارزه زنان بود. مقابله با ازدواج‌های اجباری، و گسترش روز افزون تقاضای طلاق - که اکثراً توسط زنان انجام می‌شود جلوه‌هایی از این مبارزه هستند. افزایش پاور نگر دنی فرار دختران - حتی دختران ۱۰ - ۱۲ ساله از خانه، و آمار وحشتناک خودکشی، یا اقدام به خودکشی نزد زنان و دختران جوان، در عین حال که نشان شدت ستم جنسی است که تحت حکومت



## اخباری از ایران

### جواعتراضی درگروه صنعتی ملی

هزاران کارگرمشغول به کار در واحدهای گروه صنعتی ملی، نسبت به حذف مزایا، عدم پرداخت به موقع دستمزدها و نیز عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل اعتراض دارند. مدیران و کار \_ فرمایان این واحدها، به اشکال و شیوه های مختلفی فشار بر کارگران را تشدید نموده اند و از جمله مزایای بسیاری از کارگران را قطع نموده و حقوقها را نیز به موقع نمی پردازند و خلاصه می خواهند آنچنان شرایطی را فراهم سازند که کارگران اجبارا به باز خرید رضایت دهند. کارگران در این مورد میگویند " یک ماه حقوق نمی دهند، یا با تاخیر پرداخت می کنند، یک ماه بخشی از حقوق را میدهند و باقی را به روزهای آینده موکول می کنند. چرا ما را زجر کش می کنند. . . شرایطی را پیش آورده اند که کارگربا پای خودش به کارگزینی برود و اعلام نماید که حاضر به باز خرید شدن هستم " این کارگرضمن اعتراض به این اقدامات سرکوبگرانه، چنین اضافه کرده است چنانچه وضع به همین روال پیش برود، کارخانه جاتی مثل "آزاد" و "شاهد" به رکود و تعطیلی کامل کشیده خواهند شد. کارگران واحد های گروه صنعتی ملی خواهان پرداخت به موقع دستمزدها و تضمین شغلی خود هستند.

### تجمع اعتراضی کارگران نخکار و مبلیران

بیش از ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه های نخکار و مبلیران، روز هفدهم بهمن ماه در برابر وزارت کار و امور اجتماعی، یک اجتماع اعتراضی بر پا کردند. در این تجمع، کارگران نسبت به قطع حقوق خویش از دو سال پیش تا کنون اعتراض نموده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. قابل ذکر اینکه وزیر کار در جمع کار \_ گران اعتراض کننده حاضر شد و وعده هائی نیز به کارگران داده شد.

### کارگران خزرخز خواهان بدست گرفتن امور کارخانه شدند

کارگران خزرخز تنکابن که حدود ۲ سال درگیر مشکلات متعددی هستند، گروهی اخراج شده و حقوق گروهی دیگر مداوما به تعویق افتاده است، خواهان آن شدند که امور کارخانه به دست کارگران اداره شود تا توطئه ورشکستگی و زیان دهی کارفرما خنثی گردد. در سالهای اخیر این نخستین بار است که کارگران مسئله کنترل کارگری بر تولید را مطرح می کنند. این کارخانه وابسته به بانک صنعت و معدن است.

### اعتراض کارگران کفش ملی

کارگران کفش ملی نسبت به عدم پرداخت مرتب دستمزدها اعتراض دارند. در نامه ای که در

روزنامه های رژیم انتشار یافته است، کارگران نسبت به تاخیر مداوم در پرداخت دستمزد اعتراض خود را ابراز داشته اند. حدود ۷۰۰۰ کارگر در کارخانه های کفش مشغول به کارند.

### اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه آسانسور سازی گیلان

کارگران آسانسور سازی گیلان روز ۸ اسفند دست از کار کشیدند و در مقابل ساختمان مرکزی بانک صنعت و معدن تجمع نمودند. مدتی است که حقوق کارگران پرداخت نشده است. کار \_ گران خواهان پرداخت هر چه سریعتر دستمزد های معوقه هستند.

### اعتراض کارگران صنایع چوب

در مراسمی که به مناسبت دهه فجر در یک ورزشگاه در تهران برگزار شده بود و رژیم با کشاندن کارگران به آنجا می خواست به نفع مقاصد خود از آن بهره برداری نماید، قبل از آنکه رفسنجانی شروع به سخنرانی کند، یک کارگرمزایان حضار بلند شد و به ایراد سخنان اعتراض آمیزی پرداخت. او که یکی از کارگران کارخانه صنایع چوب بود، ضمن اشاره به وضعیت وخامت بار معیشتی کارگران، نسبت به عدم پرداخت بیش از ۲۰ ماه حقوق کارگران این کارخانه قویا اعتراض نمود. شایان ذکر است که در این مراسم کسانی که به عنوان نمایندگان کارگری از کشور عراق دعوت شده بودند نیز حضور داشتند.

### اعتراض کارگران چای جهان

چهل تن از کارگران چای جهان، ضمن مراجعه به خانه کارگر و تجمع در این مکان، نسبت به اخراج های بی رویه و عدم ضمانت شغلی اعتراض نمودند. کارگران چای جهان ضمن اعتراض به اخراج کارگران این واحد، نسبت به اخراج کارگران درسایر واحدها از جمله اخراج کارگران شرکت شیمی طب و شرکت ترمینال جنوب نیز به ابراز نارضایتی و اعتراض پرداختند. کارگران خواستار توقف اخراج ها و ضمانت شغلی خود شدند.

### تجمع کارگران اخراجی شهرداری

تعدادی از کارگران خدماتی پیمانکاری شهرداری منطقه یک تهران در اعتراض به اخراج خود که اخیرا صورت گرفته است، در مقابل شهرداری تجمع نمودند و با سردادن شعار خواهان باز \_ گشت به کار شدند. این کارگران هریک چندین سال سابقه کار دارند.

### زد و خورد در کارخانه نقش ایران

طبق مندرجات روزنامه رسالت، در جلسه کمیته انضباطی کارخانه، هنگامی که شماری از

کارگران و مدیر کارخانه مشغول بحث بودند، در اثربالا گرفتن مشاجرات و شکایت مدیر کار \_ خانه، رئیس شورای اسلامی از سوی نیروهای انتظامی بازداشت میشود که بدنبال آن کارگران در محوطه کارخانه اجتماع نموده و با مدیر کارخانه به زد و خورد می پردازند. شایان ذکر است که این کارخانه را با داشتن ۸۰۰ کارگر، ظاهرا به علت نداشتن مواد اولیه و کمبود نقدینگی، مدتی است تعطیل نموده اند و کار \_ گران را از کار بیکار نموده و با مشکلات عدیده ای روبرو ساخته اند.

### تحصن دانشجویان

#### دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین در اوائل اسفند ماه، کلاس درس را تعطیل نمودند و در مقابل این دانشگاه متحصن شدند. اعتراض دانشجویان به سنگینی شهریه، مردود کردن دانشجویان به منظور گرفتن شهریه بیشتر، نبود استاد مجرب و توهین مقامات دانشگاه به دانشجویان بود. این تحصن با قول مساعد مقامات دانشگاه پایان یافت.

### تظاهرات دانشجویان

#### دانشگاه علامه طباطبائی

۱۵۰ تن از دانشجویان دختر دانشگاه علامه طباطبائی روز ۱۰ اسفند در اعتراض به فقدان امکانات رفاهی، وضعیت نامناسب خوابگاه و برخی خواسته های دیگر دست به تجمع، تظاهرات و تحصن زدند.

### نرخ ۱۷ درصدی بیکاری در اردبیل

مدیرکل کار استان اردبیل گفت نرخ بیکاری در این استان از ۱۰/۵ درصد در سال ۷۵ به ۱۵/۴ در سال ۷۶ و در سال جاری به ۱۷ درصد افزایش یافته است. نامبرده همچنین اضافه کرد که بالغ بر ۴۲ هزار جویای کار تنها در نیمه اول سال جاری در ادارات کار این استان برای پیدا کردن کار ثبت نام نموده اند.

### تجمع اعتراضی در همدان

بدنبال کشته شدن یک دانش آموز در برخورد با کامیون، روز شنبه دوم بهمن شمار زیادی از دانش آموزان و خانواده های آنها، دست به یک تجمع اعتراضی زدند. مردم به خشم آمده، ابتدا اقدام به مسدود نمودن خیابان کرده و سپس به سمت مرکز شهر به راهپیمایی پرداختند که در مسیر راهپیمایی شمار زیادی از توده های مردم به اعتراض کنندگان پیوستند. تظاهر کنندگان ضمن حمله به برخی از وسائل نقلیه دولتی، نسبت به عدم نصب پل هوائی در محل حادثه اعتراض کردند. شایان ذکر است که نیرو های انتظامی سریعا خود را به محل تظاهرات رساندند و ضمن دستگیری شماری از اعتراض کنندگان، به این تجمع اعتراضی پایان دادند.

## اخباری از ایران

### حکم "قطع ید"

در مورد هفت نفر اجرا شد

شعبه ۴۴ دادگاه عمومی مشهد، احکام "قطع ید" ۷ نفر را به جرم سرقت صادر کرد. این احکام پس از آنکه به تائید دیوانعالی کشور رسید، صبح روز پنجم بهمن طی مراسمی در زندان مشهد به اجرا گذاشته شد. اسامی این افراد که علاوه بر حبس و شلاق، به قطع انگشتان دست محکوم شدند به قرار زیر است: ۱\_ علی وفادار ۴۴ ساله ۲\_ حسین آخرتی ۱۸ ساله ۳\_ علی مرادی ۲۰ ساله ۴\_ احمد اخلاقی ۵۳ ساله ۵\_ علی اخلاقی ۱۹ ساله ۶\_ کاظم زارع و مصطفی باقری ۱۸ ساله. شایان ذکر است که در مراسمی که رژیم چهار انگشت دست راست این افراد را به جرم دزدی قطع می کرد، جمعی از قضات و کارکنان دادگستری و اداره زندان جمهوری اسلامی نیز حضور داشتند و صحنه را از نزدیک تماشا می کردند.

### تشدید فقر و فلاکت

در روستاهای ایران

رئیس سازمان بهزیستی در جریان کنگره ای که به بررسی وضعیت روستاها و روستا نشینان اختصاص داشت به ذکر آمار وارقامی پرداخت که بیانگر تشدید فقر و فلاکت در روستاهای ایران است. به گفته غلامرضا انصاری، در حال حاضر یک میلیون و ۱۷۵ هزار خانوار روستائی زیر خط فقر زندگی می کنند. جمعیت روستا نشینان ۲۲ میلیون است که ۲۸/۳ درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می دهد. طی ۴۰ سال گذشته درصد روستا نشینان نسبت به کل جمعیت کشور از ۶۹ در صد به ۳۸/۳ کاهش یافته است.

فقر و خانه خرابی در روستاها و مهاجرت به شهرها همچنان ادامه خواهد یافت. منبع فوق افزوده است که طی ۱۰ سال آینده ۱۵ میلیون روستائی به شهرها مهاجرت خواهند کرد. علی طالبی معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی آمار بیسوادان در روستاها را ۱۰ میلیون ذکر کرد. ۱۰ درصد جمعیت دوره ابتدائی در روستاها از امکانات آموزشی محروم اند. نبود امکانات آموزشی یک میلیون و ۷۰۰ هزار دختر روستائی را از ادامه تحصیل محروم کرده است.

### کمبود اعتبار در آموزش و پرورش

معاون مالی وزرات آموزش و پرورش جمهوری اسلامی گفت این وزارت خانه امسال با ۵۵۰ میلیارد ریال کمبود اعتبار مواجه است. وی اضافه نمود که در صورت عدم تامین اعتبار، این وزارت خانه در خصوص پرداخت حقوق کارمندان خود، با مشکل روبرو خواهد شد.

## ۲۰ هزار کودک خیابانی در تهران

۵۶۵ نفر اهل کرمانشاه می باشند. طبق این گزارش ۲۱۳۶ نفر از این کودکان تحت پوشش خانواده، ۲۷۶ نفر تحت تکفل پدر، ۲۵۶ نفر تحت تکفل مادر و ۵۹۸ نفر بی سرپرست بوده اند.

در حالیکه برانبوه عظیم کودکان و نوجوانان خیابانی و رها شده افزوده می شود، دولت آقای خاتمی که همچنان "حرمت انسانی" و "کرامت انسانی" ورد زبانش می باشد، حتی در چارچوب اقدامات و راه حل های نظام سرمایه داری نیز گامی در راستای تامین حقوق کودکان بر نداشته است. در قبال این جمعیت پر شمار قربانیان خردسال، روزنامه کار و کارگر مورخ ۲۸ بهمن خبر داد که دومین "خانه سبز" مرکز نگهداری کودکان خیابانی از اول اسفند ماه با ظرفیت ۸۰ نفر توسط شهرداری منطقه دوازده تهران گشایش مییابد! این درحالیست که طبق گزارش همین روزنامه بیش از ۲۰ هزار کودک خیابانی در شهر تهران وجود دارد.

پدیده کودکان خیابانی همچون پدیده بیکاری، فحش دزدی، اعتیاد و سایر مصائب اجتماعی، محصول نظام خشن و ضد انسانی سرمایه داری است که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بطور بسیار فاجعه انگیزی تشدید شده و گسترش یافته است.

آمار و ارقامی که از سوی نهادها و روزنامه های حکومتی در مورد کودکانی که به علت های مختلفی در خیابانها به حال خود رها شده اند، حاکی از ابعاد وسیع قربانی شدن کودکان و نوجوانان در پای منافع استثمارگران و نظم خشن ضد انسانی آنهاست. برای نمونه شهر داری تهران در چهارم بهمن اعلام کرد ۱۶۱۱ کودک خیابانی و بی سرپرست از اول تیر تا اول آبان در سه پایانه تهران توسط سازمان ترمینال ها و "خانه سبز" شناسائی و از این مراکز جمع آوری شده اند که از این تعداد ۱۵۰۸ کودک به خانواده هایشان تحویل و بقیه به "خانه سبز" محل نگهداری پسر بچه ها و "خانه ریحانه" محل نگهداری دختر بچه ها تحویل داده شده است.

در همین مورد روزنامه رسالت نیز به نقل از منابع رسمی می نویسد، "خانه سبز" از فروردین سال جاری تا کنون ۴۲۷۱ نفر از کودکان و نوجوانان را از خیابان ها و پایانه های شرقی، غرب، راه آهن و جنوب و مرقد خمینی جمع آوری کرده است که گروه سنی این کودکان و نوجوانان بین ۷ تا ۱۹ سال است که از این تعداد ۸۲۰ نفر اهل تهران و حومه، ۵۰۶ نفر اهل کردستان، ۳۲۴ نفر اهل خراسان، ۱۲۳ نفر همدان، ۶۷۰ نفر لرستان، ۱۱۱ نفر فارس، ۱۸۲ نفر آذربایجان شرقی و

### چرا دستمزدها

طبق خواست کارگران اضافه نمی شود؟

دستمزدها بخشا به بهانه سقوط قیمت نفت و کاهش درآمد های دولت بعنوان یک کارفرمای بزرگ، از این محل، توجه میگردد، اکنون که بهل نفت به حدود سه برابر سال قبل افزایش پیدا کرده است، چرا دستمزدها طبق خواست کارگران اضافه نمی شود؟ کارگران خواهان آنند که دستمزدهای کارگری به فوریت و به نحوی افزایش یابد که حداقل دستمزد تامین کننده مخارج یک خانواده پنج نفره باشد.

برای رسیدن به این خواست، کارگران راه دیگری جز تشدید مبارزه علیه سرمایه داران و رژیم آنها در پیش ندارند. کارگران بایستی مبارزه خویش علیه کارفرمایان و دولت را متشکل سازند. بی تردید با اتحاد و مبارزه متشکل و یکپارچه، کارگران قادرند حق خویش را از حلقوم سرمایه داران بیرون بکشند.

زیرنویس:

\* کارو کارگر مورخ ۲۸ بهمن ۷۸ در مورد هزینه های تبلیغات انتخاباتی از جمله چنین نوشته است که یک آگهی معمولی با عکس حدود ۱۰۰ هزار تومان هزینه دارد و تعرفه یک صفحه کامل در روزنامه های کثیرالانتشار بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان می باشد.

### چند خبر کوتاه

\_ کارو کارگر به نقل از یک کارشناس اقتصادی نوشت در اثر تعطیلی کارگاهها و کارخانه ها و واحدهای تولیدی نظیر پشم شویی و ریسندگی، آجر ماشینی، پوشاک، مواد شوینده، ادوات کشاورزی، کیف و کفش و چینی سازی، صدها نفر در ایلام بیکار شده اند.

\_ همین روزنامه مورخ ششم بهمن از قول دبیر اجرایی خانه کارگران ندران اعلام کرد که کارگران در بسیاری از واحدهای تولیدی این استان از جمله پاکت سازی و چیت سازی به شهر، ۳ تا ۴ ماه است که حقوق نگرفته اند.

\_ وزیر کشاورزی گفت بیش از ۳۰۰۰۰ فارغ التحصیل بیکار در بخش کشاورزی وجود دارد.

\_ دو سوم ماما های کشور بیکارند. طبق گزارش سازمان برنامه و بودجه، ۲۱۰۰۰ نفر ماما در کشور وجود دارد که از این تعداد ۷۰۰ نفر شاغل و ۱۴۰۰۰ نفر بیکارند.

\_ جمع زیادی از دانشجویان دانشگاه باهنر کرمان، نسبت به وضعیت ناخوش آیند خوابگاه ها و سرویس های دانشگاه، دست به اعتراض زدند.

## کمیته های کارخانه را در هر کارخانه و کارگاه ایجاد کنیم



## هندوستان: پیروزی کارگران!

سرانجام پس از ۵ روز اعتصاب، روز ۲۴ ژانویه بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران بارانداز سراسر هندوستان، کارهای خود را از سر گرفتند. کارگران بنادر در این حرکت خود خواستار افزایش دستمزدها به ۲ برابر شدند، اما دولت هندوستان تنها با افزایش دستمزدهایه میزان ۲۸٪ موافقت نمود. این عدم توافق اما پس از ۵ روز اعتصاب کارگران، به پذیرش بخشی از خواسته کارگران تبدیل شد. مقامات دولت وعده دادند که تا آخر ماه مارس، پیشنهاد نهائی خود را به نمایندگان کارگران ارائه خواهند داد.

\* \_ روز ۲۷ ژانویه نیز ۸۷ هزار نفر از کارگران ۶ نیروگاه برق در ایالت اوتا پرداش به اعتصاب ۱۱ روزه خود پایان داده و به سرکارهای خود باز گشتند. این کارگران نیز در اعتراض به خصوص سازی این نیروگاهها دست از کار کشیده و اعلام کرده بودند که اجازه نخواهند داد که دولت هندوستان به شروط صندوق بین المللی پول و شرکتیهای چند ملیتی گردن گذاشته و هزاران کارگر را اخراج نماید. در پاسخ به این مبارزه جوئی کارگران، مقامات دولت سیاست پیگرد و سرکوب رهبران این اعتصاب را در دستور کار گذاشته و تنها در طی یک فرمان ۴ هزار نفر از اعتصابیون را اخراج نمودند. اما در اینجا نیز مقاومت یک پارچه کارگران، دولت این کشور را به سرعقل آورد. مقامات دولتی پس از ۱۱ روز از آغاز این اعتصاب ضمن دادن تضمین شغلی به کارگران، برنامه خصوصی سازی اسم نیروگاهها را تا سال ۲۰۰۱ از دستور کار دولت خارج نمودند.

## آمریکا: مبارزه کارگران ادامه دارد!

اوائل ماه فوریه، هزاران نفر از کارگران و راننده های شرکت حمل و نقل OVERNITE در آمریکا، چهاردهمین هفته اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند. با آغاز این اعتصاب، کارگران و رانندگان ۱۴۰ ترمینال این شرکت در ۳۹ ایالت آمریکا از روز ۲۴ اکتبر سال گذشته دست از کار کشیده و برخاسته خود مبنی بر تعیین شرایط کار از طریق قراردادهای دسته جمعی پا فشردند. در همین مدت صاحبان شرکت OVERNITE تمام تلاش خود را بکار بستند تا اعتصابیون را به دادگاه کشیده و از

طریق ماشین سرکوب سرمایه داران، کارگران را به سر کارهای خود باز گردانند. آنها بی شرمانه در تبلیغات خود علیه کارگران به ۵۷ مورد اقدام به قتل و ۱۳۱ مورد اخذانی توسط فعالین کارگری!!! اشاره نموده و از مقامات قضائی خواستند که هرچه سریعتر به این تخلفات کارگران رسیدگی شود. این تشبثات سرمایه داران تنها نشان دهنده نگرانی آنها از ادامه مبارزه همه جانبه کارگران است. کارگران نیز در پاسخ به دروغ پراکنی های کارفرما، اعلام نمودند که در واقع صاحبان این شرکت هستند که سالهاست با عدم رعایت استانداردهای ایمنی محیط کار کارگران، تهدید و ضرب و شتم فعالین کارگری، اخراج خود سرانه کارگران معترض و عدم پرداخت دستمزد کارگران به عنوان جریمه، قانون کار آمریکا را زیر پا گذاشته و باید در دادگاه پاسخگو باشند. اعتصابیون می گویند صاحبان این شرکت پس از ۱۴ هفته تبلیغ پیرامون بی اهمیت بودن این اعتصاب، بالاخره وحشت خود را از شکایت علیه سازماندهندگان این اعتصاب بی اهمیت به نمایش گذاشتند.

\* \_ اوائل ماه فوریه اتحادیه های کارگری آمریکا خبر از افزایش تعداد اعضا خود در طول سال ۱۹۹۹ دادند. بنا به آمار و ارقام منتشره از سوی اتحادیه های کارگری، در طول سال گذشته ۲۶۵ هزار کارگر به صفوف اتحادیه ها پیوسته و در حال حاضر مجموعاً نزدیک به ۱۷ میلیون نفر از کارگران این کشور عضو اتحادیه های کارگری می باشند. درصد تشکل در میان کارگران آمریکا هنوز به میزان ۱۴٪ است. در حالیکه ۲۷٪ از کارگران و کارمندان شاغل در بخش دولتی عضو اتحادیه های صنفی هستند. این تعداد برای کارگران شاغل در بخش خصوصی تنها معادل ۹٪ است. به گفته اتحادیه های کارگری تعداد اعضا این اتحادیه ها در طول ۲۰ سال گذشته روند صعودی داشته است.

## پیروزی کارگران در استرالیا

اواخر ماه ژانویه کارگران مجتمع صنعتی BHP به رشته اعتصابات زنجیره ای خود پایان دادند. این اعتصابات در اعتراض به اقدامات ضد کارگری صاحبان این مجتمع صنعتی آغاز شد. به منظور تامین نیروی کار ارزان برای کارخانه های این مجتمع، صاحبان BHP تلاش دارند که کارگران را با فشار، زور و تهدید از عضویت در اتحادیه کارگران منصرف نموده و به این ترتیب شرایط فروش کار آنان را از طریق قرار دادهای فردی تعیین کنند. این تشبثات، مقاومت کارگران را برانگیخته و کارگران دست به اعتراض زدند. در همین رابطه دادگاه فدرال منطقه PILBARA به شکایت کارگران از صاحبان این مجتمع صنعتی مبنی بر نقض حق تشکل آنان رسیدگی نموده و صاحبان BHP را مجرم شناخت. بر اساس حکم دادگاه هرگونه تشویق مادی و یا تهدید

کارگران از سوی کار فرما به منظور ترک صفوف اتحادیه کارگران و عقد قرار دادهای فردی برای تعیین شرایط فروش نیروی کار ممنوع اعلام شد.

## اعتصاب پیروزمند کارگران راه آهن در مجارستان

اواخر ماه ژانویه، ۵۶ هزار کارگر راه آهن دولتی مجارستان دست به اعتصاب ۵ روزه زدند. کارگران با این حرکت، خواستار افزایش دستمزدها به میزان ۱۱ درصد و بهبود شرایط بازنشستگی خود شدند. با این اعتصاب، کار فرما وادار شد که مجدداً مذاکرات خود با نمایندگان کارگران را از سر بگیرد. این دور از مذاکرات نیز با بن بست مواجه شده و دوباره تمامی کارگران راه آهن دولتی مجارستان از اول ماه فوریه دست به اعتصاب زدند. در طول این اعتصاب ۱۴ روزه، که طولانی ترین اعتصاب بعد از جنگ دوم جهانی در این کشور بود، تمامی قطارهای بین المللی و باری متوقف شده و هزاران نامه و محموله پستی در انبار های راه آهن بروی هم تلنبار شد. در این مدت کارفرما، یعنی شرکت دولتی راه آهن مجارستان، جز با زبان زور و تهدید با کارگران صحبت نکرده و هر روز با تهدیدی تازه کارگران را تحت فشار گذاشت تا به سرکارهای خود باز گردند. روز ۱۰ فوریه، در پاسخ به فراخوان شورای مرکزی اتحادیه های کارگری مجارستان، هزاران کارگر در همبستگی با اعتصابیون راه آهن در شهر بوداپست و در مقابل وزارت راه و ترابری این کشور تجمع نموده و خواستار رسیدگی فوری به خواسته های اعتصابیون شدند. سرانجام روز ۱۴ فوریه، نمایندگان کارفرما اعلام نمودند که حاضر به پذیرش بخش زیادی از خواسته های کارگران هستند. با اعلام این خبر، شور و شغف ناشی از پیروزی این اعتصاب، تمام کارگران اعتصابی را به خیابانها آورده و کارها از فردای آن روز از سر گرفته شد.

## اعتصاب معلمان و کارگران در رومانی

روزهای ۲۸ ژانویه و ۸ و ۲۲ فوریه، هزاران نفر از معلمان رومانی دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. خواست معلمان در این حرکت افزایش دستمزدها به میزان دو برابر بود. هزمان با این اعتصاب، هزاران نفر از کارگران راه آهن دولتی رومانی نیز در اعتراض به دستمزدهای ناچیز خود برای مدت نامعلوم دست از کشیدن کارگران مبارز راه آهن این کشور اواسط ماه دسامبر سال گذشته نیز برای افزایش دستمزدهای خود به میزان ۵۶٪ دست به برپائی یک اعتصاب نامحدود زده بودند.

صفحه ۱۲

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

## اخبار کارگری جهان

### راهپیمائی بین المللی زنان علیه فقر و خشونت

تبعیض و خشونت علیه زنان بیداد می کند. فقر در میان زنان روز به روز افزایش می یابد. ۷۰ درصد زنان جهان در فقر بسر میبرند. از همین رو مبارزه علیه فقر و خشونت علیه زنان، دو محور اصلی پلاتفرمی است که تاکنون از سوی بیش از ۳۰۰۰ گروه و سازمان زنان و ۱۵۰ گروه، سازمان و حزب سیاسی و دهها اتحادیه کارگری در سراسر جهان مورد حمایت قرار گرفته است. کارزار تبلیغی فوق که رسماً از ۸ مارس \_ روز جهانی زن \_ آغاز میشود با دو راه پیمائی وسیع در اروپا و آمریکا خاتمه می یابد. کارزارها کمپین فوق پس از آغاز فعالیت رسمی، با برگزاری جلسات و فعالیتهای متعدد در سطح منطقه ای و ملی به جلب حمایت افراد، سازمانها و گروهها خواهد پرداخت و مقدمات برپائی دو راه پیمائی وسیع در اروپا و آمریکا را مهیا خواهد نمود. راه پیمایان از سراسر اروپا، روز ۱۴ اکتبر در بروکسل گرد هم خواهند آمد اما پایان نهائی کارزار روز ۱۷ اکتبر است که نمایندگان راه پیمایان اروپا به اتفاق راه پیمایان در قاره آمریکا، رهسپار نیویورک خواهند شد. در آن روز راه پیمایان ضمن تجمع در مقابل دفتر مرکزی سازمان ملل با کوفی عنان، دبیر کل این سازمان ملاقات خواهند کرد.

ایده برگزاری راه پیمائی جهانی زنان علیه فقر و خشونت، برگرفته از تجربه گروهها و سازمانهای زنان کانادا است که در سال ۹۵ یک راه پیمائی یک هفته ای علیه فقر برگزار کردند. با پایان موفقیت آمیز این راه پیمائی که تحت عنوان "یک شاخه گل سرخ و یک قرص نان" برپا شده بود، ایده گسترش آن در سطح جهانی متولد شد. از سال ۹۸ تاکنون دهها سازمان و گروه زنان مقدمات برپائی یک کارزار بین المللی را در دستور کار خود قرار داده اند. حمایت از این کارزار و فعالیت در آن روز به روز گسترش می یابد.

### یاد جانباختهگان فدائی ...

خیل عظیم جانباختهگان فدائی در همان حال که قساوت و بیرحمی پاسداران نظم ستم گرانه حاکم بر ایران را نشان می دهد، اعتقاد خلل ناپذیر سازمان ما و رفقای ما را به سوسیا \_ لیسم، حقانیت و رسالت طبقه کارگر و مبارزه آشتی ناپذیر با نظم سرمایه داری را نشان می دهد. رفقای جان باخته فدائی ما در عمل نشان دادند که به خاطر پیروزی اهداف و آرمان های خود محکم و استوار تا پای مرگ ایستاده اند. این استواری در مبارزه الهام بخش میلیونها انسانی خواهد بود که برای برانداختن نظام سرمایه داری و ایجاد جامعه ای کمونیستی، جامعه ای بدون طبقات، جامعه ای متشکل از انسانهای آزاد و برابر مبارزه می کنند.

در ۲۵ اسفند روزشهادی سازمان، مبارز دیگری این قهرمانان شکست ناپذیر درود میفرستیم و بار دیگر بر عهد و پیمان خود در مبارزه برای پیروزی طبقه کارگر و سرنگونی نظام سرمایه داری تاکید می کنیم.

### آکسیون سراسری برای نجات جان مومیا ابوجمال

مجددا زمان تعیین سرنوشت مومیا ابوجمال مبارز سیاهپوستی که بیش از ۲۰ سال است در "راهروی مرگ" زندان ایالتی پنسیلوانیا به انتظار اجرای حکم اعدام نشسته است، رسیده است. دادگاه عالی آمریکا باید پاسخ استیناف حکم اعدام وی را صادر کند. در اوائل فوریه، یک هیئت بین المللی مرکب از نمایندگانی از پارلمانهای اروپائی، اتحادیه های کارگری و سازمانهای حقوقی با مقامات وزارت دادگستری آمریکا دیدار نموده واز وزیر دادگستری آمریکا خواستند که هرچه سریعتر به خواست استیناف مومیا ابوجمال پاسخ مثبت داده شود. در همین رابطه کمپین بین المللی برای آزادی مومیا ابوجمال روز ۱۹ فوریه را روز آکسیون جهانی برای وی اعلام نمود. در این روز هزاران نفر در دهها شهر آمریکا و اروپا گرد هم آمده و از افکار عمومی جهان خواستند که اجازه ندهند مومیا ابوجمال به جرم فعالیتهای سیاسی خود و با اتهام ساختگی قتل یک پلیس سفید پوست روانه اتاق گاز شود، در حال حاضر در ۲۷ ایالت از ۵۱ ایالت آمریکا مجازات مرگ اجرا می شود. مجازات مرگ ۲۷ سال پیش مجددا در آمریکا به کار گرفته شده و در حال حاضر ۲۵۰۰ نفر در راهروهای مرگ در انتظار اجرای حکم اعدام بسر می برند.

### اعتصاب کارگران صنایع تسلیحات در رومانی

دهها هزار کارگر صنایع تسلیحات در رومانی در اعتراض به تعطیل کارخانجات و عدم پرداخت دستمزدها، روز ۲۹ فوریه دست از کار کشیدند و به راه پیمائی در بخارست پرداختند.



### زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

اما مقامات دولت در وحشت از گسترش موج اعتراضی کارگران، تنها پس از ۴ روز، اعتصاب کارگران را به حکم دادگاه غیر قانونی اعلام نموده و هرگونه اعتراضی از سوی کارگران را تا ۴۵ روز ممنوع ساختند. پس از پایان این دوره، کارگران منتظر تصمیم دولت در مورد دستمزدهای خود بودند، که وزیر راه و ترابری اعلام نمود که در سال ۲۰۰۰ نیز هیچ خبری از افزایش دستمزدها در میان نخواهد بود. با اعلام این خبر بود که کارگران روز ۲۸ ژانویه کارها را به مدت نامعلوم تعطیل نمودند. اینبار نیز مقامات دولت به فوریت دست به کار شده و با یاری ماشین سرکوب قضائی، مجددا این اعتصاب را غیر قانونی خوانده و کارگران را وادار نمودند که کارها را از روز بعد آغاز کنند. هر چند کارگران به سر کارهای خود باز گشته و مقامات دولت اعلام نمودند که کار خصوص سازی و تجزیه راه آهن دولتی این کشور به ۹ شرکت خصوص بدون وقفه ادامه خواهد یافت، اما کارگران اعلام نمودند که مبارزه آنها ادامه داشته و در هر فرصتی برای امنیت شغلی، توقف خصوصی سازیها و افزایش دستمزدها، مبارزه را از نو آغاز خواهند کرد. روز ۲۲ فوریه هم زمان با سومین اعتصاب یک روزه معلمان رومانی، هزاران نفر از کارگران صنایع دفاع، معدنچیان مناطق مختلف و کارگران شاغل در بخش دولتی این کشور نیز برای بهبود شرایط کار، امنیت شغلی، توقف اخراجها و افزایش دستمزدها دست به یک اعتصاب یکروزه زدند.

### دهها کارگر مهاجر در اسپانیا توسط راسیست ها زخمی شدند

در اوائل سال جاری در نتیجه حمله وحشیانه نیروهای دست راستی به کارگران مهاجر، حدود ۳۰ کارگر در شهر Eleydo واقع در جنوب اسپانیا به شدت مجروح شدند. سر انجام نیروهای دست راستی با گسیل اراذل و اوپاش خانه کارگران مهاجر، مغازه های متعلق به خارجی ها و ماشین ها را به آتش کشیدند. شدت دامنه این حملات به حدی بود که صد ها تن از اهالی مهاجر \_ که غالباً مراکشی اند \_ برای نجات جان خود به پلیس پناهنده شدند اما نیروهای پلیس نه تنها به دستگیری حمله کنندگان اقدام نکردند بلکه سه روز تمام با عدم حضور در محل درگیری، دست مهاجمین را در ضرب و شتم و حمله به کارگران، باز گذاشتند. نقش پلیس در این ماجرا به رسوائی کشید و از سوی برخی مقامات دولتی مورد انتقاد قرار گرفت. یکی از مسئولین اتحادیه کارگری اسپانیا، وقوع این درگیری و حمله به کارگران مهاجر را به "ردپای" هایدرتشبییه کرد. "هایدر" رهبر حزب دست راستی در اتریش است که در ائتلاف با دمکرات مسیحی ها در اتریش به حاکمیت رسیده است.

## برخورد دولت شوراهای به مسئله زن

با وقوع انقلاب اکتبر در روسیه و قدرت گیری دولت شوراهای گام های اساسی در زمینه تحقق حقوق برابر زن و مرد و تلاش جهت رسیدن به برابری واقعی برداشته شد. اقداماتی که در دستور کار شوراهای قرار گرفت بر دو دسته تقسیم می شوند: اقدامات فوری و اقداماتی که نیازمند برنامه های دراز مدت بودند.

دولت شوراهای در اولین گام، برابری زن و مرد در قوانین راه مورد اجرا گذاشت. تبعیض بر پایه جنسیت در قوانین ملغی شد. قوانین خانواده، طلاق، ازدواج و اشتغال، حقوق برابر زن و مرد را تأمین نمود و بدین وسیله بند تبعیض قانونی از دست و پای زن گسسته شد. یکی از این موارد قانون طلاق بود. قانون طلاق مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۱۷ تحول بزرگی محسوب می شد، چرا که در روسیه تزاری حق طلاق عملاً از آن ثروتمندان بود. چنانچه زن کارگری تصمیم به طلاق داشت درگیر بورکراسی عریض و طولی میگردید. او میبایست به جمع آوری امضای و تهیه استشهاد محلی می پرداخت تا تقاضای طلاق نماید. انجام این امر ماه ها و بعضاً سالها به درازا میکشید. اما پس از انقلاب اکتبر قانون طلاق جدید با در نظر گرفتن حق برابری زن، پروسه طلاق را به یک هفته تقلیل داد. (۱) مرخصی دوران بارداری و زایمان در قانون منظور شد و ممنوعیت کار زنان در رشته هایی که برای سلامت آنها و فرزندانشان مضر است، ممنوع گردید.

علاوه بر رفع تبعیض حقوقی، دولت شوراهای اقدامات دیگری را آغاز نمود. از جمله ظرف مدت کوتاهی به ایجاد و گسترش مراکز بهداشتی و درمانی برای زنان پرداخت و به احداث مهد کودک و کودکانها اقدام نمود. با گذشت ۴ سال پس از انقلاب اکتبر تعداد مهد کودکها به ۲۰ هزار افزایش یافت. این در حالی بود که در سال ۱۹۱۳ تنها ۱۹ مرکز نگهداری از کودکان و ۲۵ کودکان خاص وجود داشت. در همین فاصله، ۷ هزار مرکز بهداشتی و درمانی برای زنان و کودکان احداث شد که نیمی از آن در مناطق روستایی بودند. (۲) کار در میان زنان کارگر یکی دیگر از جنبه های بود که بلافاصله پس از انقلاب اکتبر مورد توجه کادرها و اعضای حزب قرار گرفت. در سال ۱۹۱۸ نشریه Rabotnitsa (زن کارگر) با هدف سازماندهی و جذب زنان کارگر منتشر شد. در این نشریه زنان کارگر مشکلات خود در محیط کار، نارسائی های قانونی، بیکاری را بازگو می کردند. تیراژ این نشریه ظرف ۹ سال به ۱۵۰ هزار نسخه افزایش یافت. (۳) بهر رو مجموعه اقداماتی که دولت شوراهای پس از روی کار آمدن به فوریت به انجام رساند، فراتر از کلیه دست آوردهائی بود که زنان در جوامع سرمایه داری به دنبال مبارزات خود به آنها دست یافته بودند. گام بعدی دولت شوراهای برنامه ریزی اقدامات بلند مدتی بود که زمینه مشارکت اجتماعی زن را مهیا سازد. این امری به غایت پیچیده، دشوار و پرخرج بود. دولت شوراهای با کوهی از مشکلات روبه رو بود که از جامعه طبقاتی به ارث رسیده بود. اساس این معضلات در نقش سنتی بود که طی تاریخ به زن در خانواده داده شده بود. برای جذب زنان به کار اجتماعی، ضروری بود که قید و بند کارکسالت

آور و غیر مفید خانگی از دست و پای زن گسسته شود. امر نگهداری از فرزندان، شست و شو و آشپزی که سنتاً به زن واگذار شده بود، به جامعه واگذار شود تا زن فارغ از این امور به کار تولیدی اجتماعی بپردازد. به لحاظ نظری کادرهای حزب از جمله لنین، کولنتای، اینسای آرماند و سمیرنوف از ایده اجتماعی کردن کار خانگی دفاع کرده بودند. در سال ۱۹۱۹ اجتماعی کردن کارخانگی در قوانین گنجانیده می شود. از ملزومات این قانون این بود که مراکز عمومی نگهداری کودک و رختشویی خانه های عمومی براه انداخته شوند تا زن از چهار دیواری خانه رها و به اجتماع کشانده شود.

تحقق این ایده در عمل با مشکلات متعددی توأم بود که مهم ترین آن معضل اقتصادی بود. گذشت زمان نیز بر ابعاد مشکل اقتصادی می افزود. این امر هنگامی که سیاست نوین اقتصادی (نپ) به مورد اجرا در آمد، تأثیرات خود را بر پیشبرد اجتماعی کردن کارسنتا زنانه در خانه گذارد. از جمله دیگر موانع تحقق این ایده، مسئله بینشی در میان برخی از اعضای کادرهای حزب بود که اساساً اجتماعی کردن کار خانگی را نادرست می دانستند و حل مسئله را به چارچوب خانواده محدود می کردند. این عده معتقد بودند که زن و شوهر باید در چارچوب خانواده به تقسیم وظایف بپردازند و آن را به دوش جامعه نیاندازند. در نوشته ها و مقالات کولنتای بکرات به این دیدگاه ها اشاره می شود. بطور مثال در کتاب کمونیسم و خانواده، او به انتقاد از آن دسته از اعضای حزب می پردازد که از " مساوات کار بین زن و شوهر در خانواده " دفاع می کنند. انتقاد دیگری که به ایده اجتماعی کردن کار خانگی وارد می شد، حفظ نقش سنتی زن در انجام کارهای سنتا زنانه بود. از جمله طرح ها و پیشنهادات در زمینه اجتماعی کردن کار خانگی عبارت بود از، درگیر نمودن زنان در مراکز عمومی رختشویی، آشپزخانه و مراکز نگهداری کودکان. انتقادی که بر این نظر وارد بود، نگهداشتن زن در زمینه هایی بود که همواره اسیر آن بوده اند. در پاسخ به این انتقاد، کولنتای و کروپسکایا و اینسا آرماند، اولویت را به مشارکت اجتماعی زن میدهند و نه رشتتالی که در آن مشغول بکارند. به اعتقاد آنها مهمتر این است که زن ابتدا به کار اجتماعی جلب شود تا از محدوده تنگ فردی و خانواده خود رها شود. آنها از پروسه بطئی و آرام جذب زنان به فعالیت اجتماعی دفاع میکردند. به طور مثال سمیرنوف با تحقیق در باره مشارکت دختران در سازمان جوانان کمونیست نشان میدهد که روند طبیعی تر آن است که زنان نخست به کار جمعی روی می آورند و پس از آن جهت گیری از رشته های سنتا زنانه به سوی رشته های صنعتی صورت میگردد. طبق تحقیقات سمیرنوف، اعضای دختر کمسومول عمدتاً در رشته های سنتا زنانه خیاطی، بهداشتی، آشپزی و هنرهای دراماتیک علاقه و تمایل نشان میدادند. از طرف دیگر تا آنجا که امکانات مالی و حرفه ای دولت شوراهای اجازه میداد مراکز عمومی براه افتاد. در سال ۱۹۲۳، ۹۰ درصد پرسنل این مراکز زنان بودند. (۴) وجود این مراکز موجب شد عده کثیری از زنان فارغ از مشکلات نکه -

### شعری از تسلیمه نسیرین

شاعر بنگلادشی که سال ۹۴ از سوی مسلمانان به مرگ محکوم شد.

#### نورجهان (\*)

«نورجهان» را وادار کردند داخل گودالی در میان بایستد او آنجا ایستاد، تا کمر فرورفته در گودال، با سری آویزان آنها به نورجهان سنگ پرتاب می کنند، سنگ ها به پیکر من می خورند.

\*\*\* \*\*

سنگ ها به سرم می خورند، به پیشانی ام، به سینه ام و به پشتم آنها سنگ می اندازند و بلند می خندند می خندند و به فریاد فحش می دهند. از پیشانی چاک برداشته نورجهان خون می ریزد، از پیشانی من هم.

چشمان نورجهان ترکیده، چشمان من هم.

بینی نورجهان له شده، بینی من هم.

در سینه پاره پاره نورجهان قلبش سوراخ شده، قلب من هم.

آن سنگ ها، آیا به تو نمی خورند؟

آنها بسیار بلند می خندند، می خندند و

خنده ریش هایشان را می لرزانند.

آنها می خندند و چوب دستی هایشان را تکان می دهند.

از چله بی رحم چشمانشان، تیرها سرعت میگیرند

برای سوراخ کردن بدن نور جهان بدن من هم.

این تیرها، آیا به تو نمی خورند.

\*- نورجهان زنی بنگلادشی بود که در سال ۹۳ ازدواج دومش از سوی ملائی محل «عبر شعری» خوانده شد و سنگسار گردید.

داری فرزند و کار روزمره به اشتغال بپردازند. اما به موازات گسترش معضلات اقتصادی از تعداد این مراکز کاسته شد. نشریه "زن کارگر" در سال ۱۹۲۳ در مقاله ای از تأثیرات منفی "نپ" بر وضعیت زنان چنین می نویسد: "با محدود شدن تعداد مراکز عمومی، زنان روز بروز به لحاظ اقتصادی بیشتر به مردان وابسته میشوند. زنان از اولین قربانیان این سیاست اند." (۵) در نتیجه این محدودیتها طی سالهای ۲۹ - ۱۹۲۸ ظرفیت مراکز نگهداری کودکان به ۱۹۴۲۸۶ کاهش یافت. (۶) بدین ترتیب اقدامات بلند مدتی که دولت شوراهای به منظور تحقق برابری واقعی زن و مرد پیشروی خود گذارده بود، در مواجهه با معضلات اقتصادی و سیاسی امکان پیشروی نیافت. در این دوره حتی لایحه و پیشنهادات اصلاحات قانونی نیز از دستور کار خارج میشد.

بهر رو آنچه مسلم است این که اقداماتی که در سالهای اولیه انقلاب اکتبر در زمینه برابری حقوقی زنان صورت گرفت، دستاوردهای گران بهائی به همراه داشت. اما وجود معضلات اقتصادی، جنگ داخلی، کم بهل دادن به تداوم اقدامات اساسی جهت رفع هرگونه تبعیض از دامنه تغییرات کاست و روند آن را مختل نمود.

زیر نویس ها:

۱- کمونیسم و خانواده - الکساندر کولنتای

۲- زندگی و آثار کولنتای - الکس هالت

۳، ۴، ۵ و ۶- جنبش کارگری زنان - مالیم،

هالت، هیلتین.

## گفتگوی نشریه کاربا رفیق پروین نیک آئین عضو کمیته اجرائی سازمان در مورد جنبش زنان

اسلام بر زنان اعمال می شود، اما این را نیز نشان میدهد که روحیه اعتراض به شدت گسترش می یابد. اینها اشکالی از مبارزه و مقاومت دربرابر آن روابط غیر انسانی و زن ستیزی است که عرصه را در درون خانواده برزنان و دختران تنگ کرده است. خودکشی و خود سوزی هم شکلی از بیان اعتراض است، هر چند مایوسانه و بی چشم انداز.

حرکت دانشجویان دانشگاه فاطمیه قم را که نزدیک به ۲ ماه است آغاز شده و به اشکال مختلف از اعتصاب، تظاهرات، تحصن و اشغال دانشگاه ادامه یافته و هم اکنون نیز به صورت تحصن در برابر دفتر شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه دارد، میتوان نقطه مهمی در مبارزات زنان ایران علیه قوانین زن ستیز حاکم و آپارتاید جنسی قلمداد کرد. سرسختی این دانشجویان در رسیدگی به خواستههایشان نیز نشانه ای از این واقعیت است که جنبش زنان علیه ستم جنسی چه نیروی عظیمی را طی دو دهه اخیر متراکم کرده است.

نقطه قوت جنبش زنان ایران، گستردگی آن است. این جنبشی است به وسعت سراسر ایران، در هر خانه، در هر اداره، کارخانه و مزرعه و مدسه و دانشگاهی رد پای این جنبش به روشنی نقش بسته است. اما در عین حال این جنبشی است بی شکل، و بدون سازمان که گرچه روشن است علیه ستم جنسی و برای برابری است، اما اهدافش فرموله، روشن و مشخص نیست. بنابراین بالقوه می تواند دستخوش حوادث سیاسی شود، به این سوآن سو کشیده شود حتی در مقطعی توسط نیروهای ارتجاعی علیه اهداف اولیه اش بکار گرفته شود. مضافا اینکه زنان بنا به پایگاه طبقاتی شان منافع متفاوتی را حامل هستند. بنابراین وظیفه عاجل فعالان چپ جنبش زنان است که به تشکل یابی، و دست یابی این جنبش به خواست های صریح و روشن مدد رسانند. هر قدر این جنبش (بویژه بخش رادیکال آن که مبارزه علیه ستم جنسی را فراتر از تغییرات حقوقی و رویانمی می بیند و حاضر است مبارزه را تا دست بردن به بنیان های جامعه موجود بسط دهد) متشکل تر باشد و هر قدر مطالباتش روشن تر بیان شود، چشم انداز پیروزی اش بیشتر می شود.

**پرسش** - جریان های سیاسی مختلف هریک از دیدگاه خود از نقش زنان در تحولات سیاسی اخیر می گویند، نظر شما چیست؟ و اصولا بر بستر کدام زمینه ها است که صحبت کردن از جنبش سیاسی اخیر، بدون نام بردن از زنان غیر ممکن شده است؟

**پاسخ** - همانگونه که در پاسخ به سؤال قبل گفتم، جنبش زنان علیه ستم جنسی به وسعت سراسر ایران گسترده است، به نحوی که هیچ نیروی نمی تواند آن را نادیده بگیرد. از این رو تمام نیروهای سیاسی موجود، از درون حاکمیت گرفته تا اپوزیسیون و از چپ گرفته تا راست، از نظر سیاسی با مسئله ای به نام جنبش زنان روبرو هستند. گرچه بسیاری از این نیروها، یعنی اغلب جریانات بورژوازی اعتقادی به جنبش زنان ندارند و خواهان تغییر و تحولی هم نیستند، اما به هر حال ناگزیرند به آن بپردازند و روی آن حساب کنند. این البته پیروزی بسیار بزرگی برای جنبش زنان ایران است که در این حد، خودش را به تمام نیروهای سیاسی تحمیل کرده، به نحوی که امروز مسئله زن ورد زبان همه شده. اما صرف نظر از اینکه جریانات سیاسی مختلف در حرف چه بگویند، در عمل مسئله به این شکل است که بنا بر خصالت جنبش زنان ایران علیه ستم جنسی و گستردگی آن، و ریشه هائی که در مسائل بنیانی جامعه دارد، جریانات بورژوازی در مقابل آن عملا خلع سلاح اند. اول از همه این جنبش تکلیف اش با جریانات مذهبی کاملا روشن است. این مسئله هم شامل جناح دوم خرداد می شود و هم مجاهدین خلق که اپوزیسیون آن هستند. "اصلاح طلبان" اسلامی که از چند سال قبل بوی الرحمن جمهوری اسلامی به مشامشان خورده بود، سعی کردند با طرح قرائت های به اصطلاح نو از اسلام، حکومت اسلامی را برای مردم موجه و خواستنی کنند. در زمینه برخورد به مسئله زن، نهایت چیزی که اینها می توانستند بگویند، آنچه به "فمینیسم اسلامی" موسوم است، و تبلیغات نشریه "زنان" بود. اما آنها هنوز فرصت نکرده بودند قرائت های جدیدشان از صیغه و حجاب و سنگسار را تبیین کنند که جنبش زنان به سرعت آنها را پشت سر گذاشت. اینها امروز واقعا به فلاکت افتاده اند. تا خواستند زنان را به این دلخوش کنند که کاکل شان از روسری بیرون باشد، جنبش زنان گرچه زیر

چکمه پاسداران و بسیجی ها و ماموران امر به معروف و نهی از منکر قرار دارد، چنان آنها را عقب گذاشت که انگشت به دهان مانده اند. جالب است بدانیم عباس عبدی در مصاحبه ای با نشریه زنان در پاسخ به این سؤال که روشنفکران دینی چه برنامه ای در رابطه با زنان دارند، اعتراف کرد که "اصلاح طلبان" هیچ برنامه ای در این زمینه ندارند و فعلا از خیر این جنبش گذشته اند. او گفت: "روشنفکری دینی با دو مسئله اصلی مواجه است. یکی دمکراسی و حق حاکمیت مردم و دیگری اندیشه دینی و حواشی آن... این جریان در شرایط کنونی، برای حل دو مسئله فوق با مسائل فوری تر و کلان تری روبروست که فارغ از مفهوم جنسیت است... و تنها پس از گذر از این کلیت می توان با مسئله زن مواجه شد. لذا تصور نمی رود که جریان روشنفکری دینی بر طرح مسئله زن اصرار کند و بخواهد با آن مواجه شود." (زنان - شماره ۵۸)

جنبش زنان ایران جنبشی است علیه ستم جنسی و قواعد و قوانین مذهبی. تحقق مطالبات فوری این جنبش مستلزم جدائی کامل دین از دولت است. بنابراین باید تمام قوانین و مقررات موجود لغو شوند و قوانین جدیدی وضع شوند که عاری از جنسیت گرایی و روح مرد سالاری باشد. قوانینی که برابری زنان با مردان را در تمام سطوح زندگی اجتماعی و فردی به رسمیت بشناسند. قوانینی که حق زن را بر جسم و جان خویش رسمیت بخشند و اختیار جسم و جان او را به پدر، برادر و شوهرش نسپارند. قوانینی که به موجب آن، ماموردولت یا آخوند و کشیش و خاخام برای زن تصمیم نگیرند. هیچکدام از جریانات بورژوازی اپوزیسیون ایران از چنین مطالباتی حمایت نمی کنند، هیچکدام مدافع جدائی کامل دین از دولت نیستند. آنها در بهترین حالت از ترفیق پوشیده دین و دولت دفاع می کنند و حقوق زنان را تا آنجا به رسمیت می شناسند که با "شرع انور" و "سنن و فرهنگ" جامعه، یعنی سنن و فرهنگ زن ستیز جامعه مردسالار در تضاد نباشد.

خلاصه بگویم، جریان های سیاسی مختلف ناگزیرند به جنبش زنان بپردازند و از نقش زنان سخن بگویند چرا که این جنبش با گستردگی تمام پیش روی آنهاست و اینجا و آنجا قدرت اش را به رخ می کشد. اما آنها متناسب با منافع طبقاتی و سیاسی شان به این جنبش برخورد میکنند. یکی از جریانات بورژوازی به آن روی خوش نشان می دهد تا مهارش کند، دیگری که در اپوزیسیون است با وعده و وعید، می خواهد از این جنبش برای مقاصد سیاسی اش استفاده کند. اما جنبش زنان تنها در اتحاد با جنبش طبقاتی کارگران است که می تواند به اهداف خود دست یابد.

**پرسش** - نقش تشکل های وابسته به رژیم در این مورد چیست؟ آیا تشکل های زنان مستقل از جناح های حکومت پاک گرفته اند؟

**پاسخ** - در مجموع می توان گفت تشکل های وابسته به رژیم اساسا برای زنان مطرح نیستند. زنان به آنها توهمی ندارند، آنها آنقدر افشا شده و آبرو باخته اند که نمی توانند نقش بازدارنده ای هم در برابر زنان ایفا کنند. تشکل های دولتی موسوم به "سازمانهای غیر دولتی زنان" نیز بیشتر مصرف خارجی دارند. آنها برای شرکت در مجامع بین المللی، آرایش چهره بیرونی جمهوری اسلامی، و گرفتن دلارهای آمریکائی از سازمان ملل و نهادهای مشابه مورد استفاده قرار میگیرند. در مجموع اوضاع به نحوی است که هر فرد یا جناحی از رژیم بخواهد به جنبش زنان نزدیک شود، اول باید به میزان زیادی - حتی در حرف - از حکومت فاصله بگیرد. و میدانیم که قدرت مانور حافظان جمهوری اسلامی بویژه برسر مسئله زنان چقدر محدود است، آنها واقعا در فلج کامل بسر می برند!

در سال های گذشته علیرغم سرکوب و خفقان، زنان آگاه و مترقی همواره تجمعات خود را داشته اند که غالبا به شکل تجمعات دوستانه و محدود بوده و در سال های اخیر با فضائی که کل جنبش توده ای در جامعه ایجاد کرده، قدری این تجمعات بیشتر و گسترده تر شده اند. شاید بتوان گفت اینجا و آنجا جوانه های تشکل های مستقل زنان به چشم می خورد. اما شکل گیری آنها در سطح سراسری، منوط به رشد و توانمندی بیشتر جنبش عمومی توده ای برای آزادی و دمکراسی است.

از صفحه ۱۴

**پرسش** \_ دست آوردها و تجارب جنبش چپ در رابطه با مسئله زن طی دوده گذشته کدامند؟

**پاسخ** \_ انقلاب ۵۷، شکست این انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی تجارب با ارزشی برای نیروهای چپ در برداشته است. امروز جنبش چپ درک بسط یافته و همه جانبه تری از اهمیت مبارزه برای دموکراسی، و رابطه متقابل میان دموکراسی و آزادی زنان دارد. حاکمیت جمهوری اسلامی و مبارزات زنان طی دو دهه گذشته، جایگاه مبارزه علیه ستم جنسی را در کل مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم نشان داد. ۲۰ سال پیش درک محدود جنبش چپ از اهمیت مبارزه برای دموکراسی و رابطه این مبارزه با جنبش برابری زنان سبب شد چپ در مقابل تهاجم جمهوری به زنان واکنش مناسب را نشان ندهد. این امر علاوه بر اینکه بر مبارزه چپ تاثیر منفی گذاشت، به سرخوردگی بخشی از فعالان زن چپ نیز انجامید. برای جنبش چپ \_ یا بخش اعظم آن \_ امروز دیگر مبارزه علیه ستم جنسی وجه فرعی، جنبی و یا متاخر مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم نیست، جزئی از این مبارزه است، بخش غیرقابل چشم پوشی آن است. این اتفاقا آن بخشی از مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم است که بر کل پروسه، تاثیر مثبتی بر جای می گذارد. مبارزه علیه ستم جنسی از آنجا که هم در عرصه فرهنگی و هم در عرصه اقتصادی به اعماق جامعه طبقاتی دست میبرد و دیرپاترین باورها و سنن را به چالش می طلبد، نقش بسیار مهمی در دمکراتیزه کردن روابط اجتماعی و فردی انسانها دارد. به این مسئله، باید درک همه جانبه تری از ستم جنسی را افزود. بدون تجارب دوده گذشته، علیرغم اینکه در تئوری، چپ به وجوه مختلف مبارزه علیه ستم جنسی باور داشت، اما در عمل \_ اساسا \_ به آن بخش از مسائل زنان توجه می شد که زنان در فرآیند تولید با آن دست به گریبانند. امروز درک چپ از ابعاد گوناگون ستم جنسی تعمیق یافته و همه جانبه شده است. این تجربیاتی است که چپ طی دوده گذشته بدان دست یافته است. ولی این که نتایج حاصل از این تجربیات تا چه حد در مبارزه عملی پیشرویی به کار گرفته شوند، به میزان زیادی در گرو نقشی است که فعالان جنبش زنان در جنبش چپ ایفا کنند.

**پرسش** \_ نقش زنان در سازمان را، و برخورد سازمان را به مسئله زن و مطالبات زنان چگونه می بینید؟

**پاسخ** \_ از ابتدای شکل گیری سازمان بسیاری از زنان که آمال و ایده آل های خود را در اهداف و مبارزه سازمان متبلور میدیدند. برای مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم به سازمان پیوستند. چه در دهه ۵۰ و قبل از انقلاب، و چه پس از انقلاب ۵۷. بخش قابل توجهی از اعضا، فعالان و هواداران سازمان را زنان تشکیل می دادند. اگر چه هنوز تا مشارکت برابر زنان در ارگانهای تصمیم گیرنده سازمان راه درازی در پیش است، اما از شرکت در تیم های عملیاتی در اوائل پنجاه گرفته، تا در مواردی فرماندهی این تیم ها، شرکت در ارگانهای تصمیم گیرنده سازمان پس از قیام، بویژه پس از انشعاب اکثریت، شرکت در رهبری و مسئولیت در درده کمیته های تاثیر گذار بر حیات سازمان، زنان همواره نقش بارز و تاثیر گذاری داشته اند. مطالباتی که سازمان در رابطه با جنبش زنان طرح می کند، در کلیت درست و اصولی هستند. اما باید در هر گام با پیشروی جنبش و با استفاده از تجارب، این مطالبات را مشخص تر و دقیق تر کنیم. همچنین بنا به اهمیت جنبش زنان در کل مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم، باید بطور جدی نیروی بیشتری به آن اختصاص دهیم.

**پرسش** \_ سؤال آخر اینکه جنبش زنان علیه ستم جنسی چگونه می تواند به پیروزی برسد و رابطه اش با سایر جنبش ها چیست؟

**پاسخ** \_ همانگونه که قبلا اشاره کردم، برابری زنان با مردان در چهار چوب روابط اجتماعی \_ اقتصادی موجود نیز مستلزم لغو کامل تمام قوانین تبعیض آمیز و آغشته به فرهنگ و معیارهای جامعه مرد سالار و زن ستیز کنونی است. این خانه تکانی فرهنگی و سیاسی، امری ضروری و عاجل است و راه را برای پیشروی های بعدی جنبش زنان خواهد گشود. اما این حد از برابری \_ همانگونه که تجربه کشورهای پیشرفته سرمایه داری نشان داد \_ نه حتی بطور کامل در چهارچوب نظام موجود قابل تحقق است و نه از دید بخش اعظم زنانی که علیه ستم جنسی مبارزه می کنند، کافی و پاسخگوست. بخش اعظم

زنانی که در ایران امروز از ستم جنسی رنج می برند، متعلق به طبقه کارگر و اقشار زحمتکش هستند. برابری حقوق صرف، برای آنها عین نابرابری است. آنها مادام که استقلال اقتصادی به دست نیاورده اند، برده خانگی و کنیز جنسی مرد هستند. اگر رهائی زنان را فراتر از دست یابی به امکاناتی که مردان در جوامع سرمایه داری از آن برخوردار دارند، بدانیم، و برابری واقعی زن و مرد مورد نظر باشد، انقلاب سو \_ سیالیستی پیش شرط ضروری رهائی زنان است. اما خطاست اگر تصور کنیم که با انقلاب سوسیالیستی، مسئله زن بطور اتوماتیک و خود بخود حل می شود و ستم جنسی بر زن پایان می یابد. انقلاب سوسیالیستی پایه های اقتصادی ستم کشی زنان را ویران می کند اما محو ستم جنسی و دست یابی به جامعه ای که در آن زن و مرد انسان های آزاد و آگاهی هستند که مستقل و آزادانه به روابط اجتماعی و خصوصی شکل می دهند، منوط به مبارزه بی وقفه و طولانی فرهنگی است تا رسوبات هزاران ساله سنن ارتجاعی و پیشداوری های مذهبی، جنسی و طبقاتی را از اذهان بزاید و مردان، و نیز زنان را متحول سازد.

جنبش زنان ایران علیه ستم جنسی در مسیری که تا پیروزی نهائی در پیش دارد، متحد جنبش طبقه کارگر و سایر جنبش های است که علیه ستم مبارزه می کنند.

زنان ایران در انقلابات و تحولات سیاسی قرن گذشته ایران، نیروی فعال تحولات بوده اند و فداکاریها و جانفشانی های بسیاری کرده اند. بدون شک در انقلاب آتی نیز زنان نقش بسیار فعالی خواهند داشت. اما یک مسئله انقلاب پیش رو را از گذشته متمایز می کند؛ زنان این بار با مطالبات خاص خود در انقلاب شرکت می کنند و مهر خود را بر آن خواهند کوبید.

**پرسش** \_ اگر مطلب دیگری دارید مطرح کنید.

**پاسخ** \_ با امید به رهائی زنان، ۸ مارس را به زنان ایران، و به مردانی که علیه ستم و استثمار مبارزه می کنند تبریک می گویم و از فرصتی که به من دادید، متشکرم.

اطلاعیه	اطلاعیه
<b>در تظاهرات مردم شوش و شادگان دهها تن کشته و زخمی شدند</b>	<b>مبارزه دانشجویان دانشگاه فاطمیه، مبارزه ای علیه تبعیض و جداسازی جنسی</b>
<p>دراعتراض به انتخابات قلابی و فرمایشی رژیم جمهوری اسلامی، هزاران تن از مردم شهرهای شوش و شادگان در استان خوزستان روز شنبه دست به تظاهرات زدند. مزدوران نیروی انتظامی، سپاه بسیج، مردم را در این هردو شهر به گلوله بستند کدر نتیجه این اقدامات وحشیانه رژیم دهها تن کشته و زخمی شدند. مردم شادگان با بر پائی تظاهرات و سردادن شعارهایی علیه مقامات دولتی در برابر فرمانداری این شهر تجمع نمودند و به انتخابات قلابی اعتراض نمودند. مزدوران سرکوبگر رژیم، مردم را به گلوله بستند. بر طبق اخباری که در روزنامه های رژیم انتشار یافته است، لاقبل ۳ نوجوان ۱۴ساله، ۱۷ ساله و ۱۸ ساله به قتل رسیدند. و دهها تن زخمی به بیمارستانها انتقال یافتند که از سرنوشت بعدی آنها اطلاعی در دست نیست. در پی این اقدام نیروهای سرکوب، مردم خشمگین مؤسسات دولتی از جمله جهاد سازندگی، مخاربات، شهرداری، کمیته امداد، مراکز نیروهای نظامی، بانکها و تعداد دیگری از مؤسسات دولتی را مورد حمله قرار دادند و برخی را به آتش کشیدند. در همین روز مردم شوش نیز در اعتراض به تقلب های انتخاباتی دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. در اینجا نیز مزدوران دولتی به سوی تظاهر کنندگان آتش گشودند که بر طبق گزارش روزنامه های دولتی ۵ تن از جمله یک کودک ۸ ساله کشته شدند. تعداد زخمی ها دهها تن گزارش شده است. مردم نیز متقابلا به زدوخورد با نیروهای دولتی پرداختند. فرمانداری و تعداد دیگری از مؤسسات دولتی و بانکها را در هم کوبیدند و تعدادی از وسائل نقلیه نیروهای سرکوب را به آتش کشیدند. پاسداران و بسیجیانی که به این دو شهر اعزام شده اند، با برقراری حکومت نظامی تعداد زیادی از مردم را دستگیر و روانه زندان کرده اند.</p>	<p>تخصن دانشجویان دانشگاه فاطمیه قم در مقابل دفتر شورای عالی انقلاب فرهنگی حکومت اسلامی در تهران ادامه دارد. این تخصن ادامه یک رشته مبارزات دانشجویان این دانشگاه است که از مدتی پیش آغاز شده است. دانشجویان دانشگاه فاطمیه قم که تماما زن هستند، تاکنون در چندین مورد دست به تحصن، راهپیمایی و تظاهرات اشغال دانشگاه و دیگر اشکال مبارزه زده اند. دانشجویان اعلام کرده اند که تا تحقق مطالباتشان به مبارزه خود ادامه خواهند داد.</p> <p>مبارزه دانشجویان دانشگاه فاطمیه مبارزه ای است علیه تبعیض جنسی و جداسازی زن و مرد. این دانشجویان به این که دانشگاه صرفا دانشجوی زن پذیرد، صرفا استادان زن در آنجا تدریس کنند و صرفا در بیمارستانی که زنان در آن بستری هستند به کار مشغول شوند معترض هستند. آنها می خواهند که استادان مرد نیز در دانشگاه تدریس کنند. آنها می خواهند که به مداوای مردان نیز بپردازند. در یک کلام آنها خواهان الغاء مقررات نفرت بار جداسازی زن و مرد هستند. دانشجویان همچنین خواستار این هستند که اساسنامه این دانشگاه تغییر کند و زیر نظارت وزارت آموزش و درمان پزشکی قرار گیرد.</p> <p>اعتراض و مبارزه دانشجویان دانشگاه فاطمیه، صرفا یک مبارزه دانشجویی و مبارزه به خاطر مطالبات صرفا صنفی نیست. این مبارزه، مبارزه زنان ایران است، علیه تبعیض، نابرابری و جدا سازی جنسی. ناپدید باد نظام ارتجاعی جداسازی زن و مرد، ناپدید باد ستم و تبعیض علیه زنان.</p>
<b>سرتکون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد حکومت شورائی</b>	<b>سازمان فدائیان (اقلیت) - ۱۳۷۸/۱۳/۱۱ - کار - نان - آزادی - حکومت شورائی</b>
<b>سرتکون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد حکومت شورائی</b>	<b>سازمان فدائیان (اقلیت) - ۱۳۷۸/۱۳/۱۱ - کار - نان - آزادی - حکومت شورائی</b>



## اعتراض کارگران به مصوبه ضد کارگری مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی روز ۸ اسفند اقدام به تصویب یک قانون شدیداً ضد کارگری نمود و کارگاههایی را که ۵ کارگر و کمتر دارند از شمول قانون کار معاف نمود. این مصوبه به معنای محروم کردن میلیونها کارگرازهرگونه حق و حقوق و نظارت قانونی بر کارگاه هاست. از این پس تنها اراده کارفرماست که میزان دستمزد، ساعات کار و اخراج کارگران را تعیین می کند. از این پس کارگران این کارگاهها از همین بیمه های اجتماعی سرودم بریده و ناچیز، از بیمه درمانی، بیکاری و بازنشستگی هم محروم می شوند. از این پس استثمارکارگران این کارگاهها تشدید می شود و در نتیجه حرص و ولع کارفرما برای کسب سود بیشتر و فقدان هرگونه کنترل بر کارگاهها و فقدان هرگونه مسئولیت کارفرما در قبال جان کارگران، سوانح ناشی از کار و مرگ و میر در این کارگاهها افزایش می یابد. با تصویب این قانون گروه کثیری از کارگران بیکار می شوند. تعدادی از کارگاههای موجود کارگران خود را اخراج می کنند تا کارگران جدید که مشمول قانون کار نباشند استخدام کنند. تعدادی از موسسات و کارگاههای بزرگتر که تعداد کارگران آنها از ۵ نفر بیشتر است با اخراج تعدادی از کارگران، خود را از شمول قانون کار معاف می سازند. بنابراین مصوبه ضد

در یکصد و هفدهمین سال درگذشت

## مارکس

خاطره این رهبر کبیر پرولتاریا را گرامی می داریم .

کارگری مجلس اسلامی تنها کارگران کارگاه هائی را که در آینده ایجاد می شوند از حقوق انسانی خود محروم نمی کند، بلکه هم اکنون ۳ میلیون کارگر کارگاههای کوچک در معرض نتایج مخرب این قانون ارتجاعی قرار گرفته اند. این کارگران نیز تدریجاً مشمول همین قانون می شوند و گروه کثیری نیز بیکار می شوند. تصویب این قانون همچنین مقدمه ای است برای تعرض به حق و حقوق کارگران کارگاه های بزرگتر و کارخانه ها. این مصوبه موج وسیعی از نارضایتی و اعتراض را در کارگاهها و کارخانه های سراسر کشور پدید آورد. خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، این ارگان های ضد کارگری حکومت اسلامی کوشیدند جلو اعتراضات کارگران را بگیرند، آنها در اجتماع ۲ تا ۳ هزار کارگری که برای اعتراض در مقابل مجلس گرد آمده بودند، کارگران را به الطاف شورای نگهبان حواله دادند و از این ارگان ارتجاعی خواستند که مصوبه مجلس را رد کند.

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

**آلمان**  
K . A . R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

**اتریش**  
I . S . V . W  
Postfach 122  
Postamt 1061 , Wien  
Austria

**دانمارک**  
I . S . F  
P . B . 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

**سوئد**  
M . A . M  
Postbox 6416  
75139 Uppsala  
Sweden

**سوئیس**  
Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

**فرانسه**  
A . A . A  
MBE 265  
23 , Rue L ecourbe  
75015 Paris  
France

**هلند**  
P . B . 22925  
1100 DK Amsterdam  
The Netherlands

### مراسم ۱۹ بهمن سالروز سیاهکل و بنیانگذاری سازمان

به ابتکار فعالین سازمان در فرانکفورت برگزار شد .  
پیام هائی که از سوی سازمانهای سیاسی و دمکراتیک  
به این مراسم ارسال شد و نیز سخنرانی رفیق توکل  
در این مراسم در شماره آتی نشریه کار درج خواهد شد .

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی  
زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به  
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایند

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

### شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaian-minority.org



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 335 maart 2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی